

سجل القین

محمدی که زحمت بیحد و مثالی این خادم اسلامیت و علم دار اتحاد اسلام، اندک اندک دارد نتیجه خود را می بخشد، بل اختلاف مسلمانان در فروع نزدیک بود که اصول اسلام را هم از میان ببرد، چهار صد میلیون نفوس اسلامی زبون و زیر دست شد مگر از اختلاف مسلمانان، ممالک اسلامی تحت نفوذ اجانب بیرون نیامد مگر از شامت اختلاف، سلاطین اسلامی مطیع و منقاد و خاضع و خاشع نزد اجانب نگردیده اند مگر از نحوست ترك اتحاد با یکدیگر و عدم همدردی شان باهم، خدای را شکر که نیم آزادی مشروطیت اسلامی مسلمانان را از خواب غفلت بیدار ساخت و بر همدردی یکدیگر مریا داشته است، ولی باید دانست که این حکم محکم اتحاد مسلمانان عالم را اساس است و استحکام این اساس منوط بر یاری بندی مواد ذیل میباشد

(۱) اختلافاتی که در قزون عذیده در قلوب عامه خاصه جهال نقش بند شده قط باشاعه يك لوراق قنای روحانین زائل نتوان نمود، لهذا لازم است که خیر خواهان اسلام بوسائل مختلفه این عامه را تقییب نموده تا رفته رفته اثراتش در قلوب عامه جای گیر گردد

(۲) برای استحکام این اتحاد مقدس مرکزی لازم است که هماره اعضای آن از ابراز فعالیت که درین موضوع مقدس درخور است باز نایستند و بهترین مرکز کاظمین است، ولی این مرکز باید دارای پروگرام صحیح و ریاستش با علمای بزرگ شیعه و حضرت شیخ الاسلام اسلامیول و اعضای با سیاست واقف بمقتضیات امروزی اسلام باشند

(۳) لازم است از طرف این مرکز علمای مسلمانان از کلیه نقاط حتی از افغانستان و مصر و تونس و الجزایر و مکه و مراکو و هند و قفقاز و ترکستان و چین و غیره دعوت شوند.

(۴) مجبه اینکه اتحاد اسلامی با اصول صحیح کسب صمیمیت نماید باید از روی دیانت اسلامی در تعدیل مسائلیکه مایه اختلاف فرق پنج گانه اسلام شده اقدام نمود تا از روی صمیمیت اتحاد مسلمانان معنویت حاصل نماید، مسلم است در صورتیکه حفظ بیضه اسلام منوط بانحاد مسلمانان باشد برخی تبدیلات فروعیه با اصول اجتهاد دشوار نخواهد بود.

(۵) هر یک از ملل اسلامی راست که محکم این مرکز اتحاد اسلامی در اتحاد داخلی خود بکوشند و قوای اتحادیه خویش را در بین خود مرکزیت و قوت دهند، یعنی همان قسمیکه عثمانیان انجمن اتحاد و ترقی دارند و کلیه قوای عثمانی را حاوی اند ایرانیان هم باید در طهرات يك مرکز اتحاد و ترقی قائم نموده تا تمام قوای دولت و ملت را مرکز گردد، همین قسم در سایر ممالک اسلامی، ورنه از اتحاد عمومی هرگز فایده مطلوبه حاصل نتواند شد و همینکه این مراکز با لاساله قوت حاصل نمود و اتحاد با يك دیگر کردند ارکان اسلامیت از هر جهت قوی و اجانب نخواهند توانست به هیچ يك از آنها بتازند

(۶) عقد اتحاد سیاسی بین دول اسلامی و امرای بزرگ اسلام سرأ یا جهرأ - شرعاً و عقلاً واجب است و هر وسیله ممکن شود در انجام این مقصود باید کوشید و هرگاه چنین عقد اتحاد سیاسی ملین دول و امراء اسلامی بر حسب دیانت اسلامی بسته آید هیچ يك از دول قوی بجه نتوانند بر حقوق آنان تجاوز کنند و خصوصاً در سورنیک این عقد اتحاد سیاسی از روی دیانت باشد

(۷) اسباب مزاجت و مواصت بین سلاطین و امراء اسلامی فراهم نمودن از وظائف مهمه و ژسای روحانی این مرکز اتحاد اسلامی است، منافع اینگونه مواصتها در عوام سیاست اسلامی بمقتضای کنونی بیش از آن است که ما بتوانیم شرح و بیان کنیم و بحول و قویه خداوندی ما در آتیه آنچه شایسته مقام و مقتضی این اتحاد اسلامی باشد خواهیم نگاشت.

نقل از اوراق مطبوعه به دو زبان کدو  
( طهران اشاعت یافته )

قطع نامه هیئت ملت ایران در طهران  
( در تاریخ هجده ۱۴ دیقمده ۱۳۲۸ )

از چهار سال باین طرف ملت بلا دیده ایران بواسطه اتهامات جان سپارانه خود اقدام بر انقلاب خونین نموده میخواهد که بتام کج بنان عالم تمدن که شرقاً عموماً و ایران را خصوصاً قابل عمران و مدیت ندانسته و همیشه ظمن بر اخلاق و ادیان آنان میزدند فعلاً ثابت نماید که ایران حاضر است بقیمت جاهای گرابهسای اولاد خویش آن جریان زندگی بخش حریت ، و عدالت ، و مساوات ، و سعادت را که از طرف مغرب مثل یک سیل خروشان می آید استقبال نماید

خواه علماء و خواه ضبقات عامه ملیه ایران در این چند سال اخیر انقلاب عملاً ثابت نمودند که نه ایرانیت و اسلامیت توحش از اشعه انوار عالم تاب متحد داشته آماده آن گردیده اند که با کمال میل و ربت تجرایی سیل حریت و آزادی افتاده همراهمان قافیه تکمیل انسانیت که فرسنگها پیش افتاده اند رسیده و در اجرای فداکاری در راه نائلیت با مال سعادت مال مکتونه حرکت عمومی اولاد بشر مقام خدمتگذاری واقعی را احراز نماید مالمطبع در این اقدامات خودشان امیدها از ناپیدگان عالم تمدن داشتند معالتاسف در مقابل این امید طیبی ایران بدون اینکه استعانت فعلی از ناپیدگان حقیقی عالم تمدن به بند خود را در بجه تضییق دو دولت استیلا کار و کشورگیر اروپا که برای اضمحلال آزادی و تجمد شرقیان از ضدیت تاریخی خودشان صرف نظر نموده در مقاصد ظلم و اجحاف متحد گردیده مشاهده می نماید

اعتناشات دوره ایران که تخریبات آن نسبت باقلابان که در تاریخ ملل عالم سراغ داریم بدرجه صفر بوده و حتی نسبت بخود انقلابات روسیه که بیج سال پیش اتفاق افتاده همین نداشته و در عرض این چهار سال یک نفر تبعه خارجه آسیایی خرسینده است

دولت روس به بهانه حفظ جان و مال اتباع خارجه برخلاف تمام معاهدات بین المللی قشون بخته ایران وارد نموده و اینک الخراج آنرا حریصانه موقوف بدادن امتیازات از طرف دولت ایران به روس محول مینماید

ایرانیان با همه آن مایوسی که از پلنیک سنوات اخیر دولت انگلیس داشتند باز هم نظر بآنکه این دولت بزرگ خود را حامی آزادی و حریت می بندارد تصور مینمودند که در این مورد با مقاصد مستبدانه دولت روس همراه نبوده تخلیه ایران را از قشون که بتصویب خود او وارد شده بود بدوست خود اخطار خواهد نمود

ایرانیان با همه آن مایوسی که از پلنیک سنوات اخیر دولت انگلیس داشتند باز هم نظر بآنکه این دولت بزرگ خود را حامی آزادی و حریت می بندارد تصور مینمودند که در این مورد با مقاصد مستبدانه دولت روس همراه نبوده تخلیه ایران را از قشونی که بتصویب خود او وارد شده بود بدوست خود اخطار خواهد نمود

هیات که از این قیانه و یا کارانه انگلیس یکدفعه دیگر هم فریب خورند ، این دولت آزاد لیبرال یادداشت توهمین آمیزی بدوات ما داده و استقلاله قدیمی ما را تهدید مینماید و مصمم میشود که بعد از سه ماه دیگر مداخله در امور جنوبی ایران نموده و بهمین واسطه بهانه جدی برای مداخله برو-ها در شمال داده قدیمی بمقاسمت ایران بردارند

دولت آزادی خواه انگلیس بهانه ظاهری یک چنین جسارت خود را عدم امنیت طرق و منقودیت استعداد دولتی ایران نشان میدهد حال آنکه بر همه اشخاصیکه انقلابات ایران را تدقیق نموده اند واضح و آشکار است که دولت ایران در تحصیل پول مانند همه دولیکه مبتلا به تبدیلات اساسی اداره میشود با کمال شدت احتیاج داشت و از طرف دولتین روس و انگلیس انواع موانع بوجود می آمد بواسطه اینکه نه دیگرانرا میگذاشتند بدهند و نه خودشان میدادند و اگر هم میدادند شرایطی

پیشتر مبرکند که دولت ایران هرگز نمیتوانست آن شرایط را قبول نماید زیرا که قبول هر یکی از آن شرایط فروختن استقلال و آزادی مملکت بود که مقصود اصلی در تمام مجاهدات ملی محافظت آنها بود باز هم در اسکاوت اعتشاش اهالی نموده و اقتدارات خود را در وقوات اردبیل، قراجه، داغ، با تادیب ایلات منمرده و واقعه زنجان ~~که~~ همگی از اوت انتریکه ایی خارجی بود بروز داد، موجودیت این انتریکها بواسطه واقعه داراب میرزا و آمدن پسر رحیم خان با رابطه که مابین رحیم خان و روس ها بود باز کردن در های سفارت برای مفسدین متحرکین ارتجاعی و مرج و مرج طلب وغیره وغیره از مسائل واضح است ~~که~~ محتاج به بیان نیست و حتی ~~که~~ دولتین روس و انگلیس قصد نمودند که بهر شکل باشد ملرا اسیر هوسات طاعانه خود نمایند و طفل نوزاد آزادی مشروطیت ما را در اولین درجه رشد و بلوغ خود خفه نمایند مسلم است که دولت روس چنانچه وا نمود میکند محض نوع پرستی خود اقدام بانفکاد کنترانسپلی صلح لاهی نموده و دولت انگلیس که خود را حامی آزادی خواهان کره زمین دانسته همه قسم به آنها برای برائت استهلال مقاصد ظالمانه خویش خواهد تراشید و اتهام جنهسی زیاد مبنی بر این بهانه های جعلی خود با خواهد نمود چنانچه برخلاف شهادت ارقام استاتستیک گمرکی دولت انگلیس تنزل تجارت جنوب را ادعا مینمایند

ولی اگر دولت انگلیس برفاقت دولت روس تکیه نموده اتهام حجت بی اساس حق شکنی بدولت ما بدهد ما ملت ایران نیز حق داریم که اتهام حجت بر تمام عالم تمدن و آزادی خواهان دنیا و نوع پرستان اروپا عموماً و ملت روس و انگلیس خصوصاً نمائیم ما منتظریم که عناصر صلح طلب و انسانیت پرور اروپا و دولیکه تابع این احساسات وجدانی هستند باین مسئله مشکله که بایران روی داده است توجه مخصوص نمایند امروز میخواهند یک ملتی را که دارای یک قدمت شمشع تاریخی سه هزار ساله بلکه پیشتر است محو و نابود نمایند

یکملتی که در ادوار قدیمه خود خدمات نمایان سال انسانیت نموده و در آینده بجزای خدمات

لایقه در صدد تدارکات اسباب لازمه که عبارت از اصول مشروطیت و عدالت باشد بر آمده امروز مبتلای قهر و غلبه حرس و آژیک عده از دولتیان طماع روس و انگلیس میباشد ملیونها نفوس را میخواهند که فدای منافع عده محدودی نمایند نظر بمراتب فوق بر علیه تجاوزات دولتین روس و انگلیس برست نموده، این ملت از شما، ای آنانکه بتمدن و انسانیت پرستی خود می باید استمداد میجوید و با یک صدای رسا که انعکاس آن در جو هوای کره زمین الی یوم القیامه یابدار باشد میگوید که از این جنایت تاریخی جلوگیری نماید و بداید که ملت قدیم ایران باین آسانها دست از حیثیت ملی و استقلال خود نخواهد کشید دولت انگلیس باید بداند که مسئله ایران امروز یک مسئله معلم اسلامی را در بردارد و سوء قصدی که درباره او میشود تمام عالم اسلام را متفکر ساخته برای یک دولتی که دارای صد ملیان اتباع اسلامی است نتایج وخیمی خواهد داشت دولتین روس و انگلیس و دوستان ایشان بخوبی بفهمند که بر این تجاوزات علی بر نیاید یکی از ارکان قدیم عالم اسلام مسئله شرق موافق منافع آنان حل نگردید و عالم اسلام را بالاجبار باعوش دیگران خواهد اداخت کشور سننان بر یا لیست اروپا باید بداند که هر قدر بمقصود اضمحلال عالم اسلامی متشبث شوند همان اندازه بر اتحاد اسلام وقوه دافعه آن افزوده اند مبارزات ملت ایران فقط برای استقلال و آزادی بود و مدارای اهالی را که بادول و ملل همجوار استیلا کار تا کنون نموده اند نیز برای خاطر استقلال و آزادی وطن عزیز بوده و الا مردن را ترجیح بر ذلت اسارت میدهند زیرا برای یک ملتیکه داخل در راه تمدن و تجدد گردیده ذلت اضمحلال و اسارت را کشیدن هرگز گوارا نخواهد بود ایران مال ایرانی است در نتیجه و بدولت و وکلای محترم خود نموده تقاضا مینمائیم که بر مطالب جدی ملت اتکال نموده رفن قشون اجاب را جداً از منابع لازمه خود بخوانند.

ما هیئت مدیره میننگ ~~که~~ روز پنجشنبه ۱۴ دی قعد در طهران تشکیل یاتہ باقتضای هراران اشتراک کرده در آن وکالت این بیان نامه را بتمام عالم تمدن تشریح مینمائیم.

عظیم الله اجورنا و اجورکم

باتفاق حکما هر چیز از ابتدا کوچک و رفته رفته بزرگ می شود. برعکس این کلیه فلسفیه مصائب اعلی حضرت حسین از هزار و سیصد سال باینطرف همه روزه در ازدیاد و بزرگی است. ما بر حسب عادت دیرینه خود که همواره در محرم شرحی از واقعات کربلا می نوشتیم هر قدر ملاحظه نمودیم هرگز و نافع تر بحال امروزه ایران جز به تکرار مقالات دو فیلسوف بزرگ و مورخ جلیل القدر آلمانی و فرانسوی که سال گذشته نوشته بودیم بنظرمان نیامد. چه قدر مناسب است که شیعیان حسین و ایرانیان غیور وطن خواه درین مقالات فلسفیه غور و تأمل نموده از پیروی به آقا و مولای خود نتایج عظیمه حاصل نمایند. ما از هموطنان خود همین قدر خواهش میبایم که درین مقالات باریک شده اوضاع حاضره خویش را هم پیش نظر گرفته در پیروی از موالی خود نتیجه مطلوبه حاصل نمایند. امیدواریم هموطنان محبوب ما که خویشتن را بقوای ضرب المثل ساخته اند در اصول دینت و مذهب و پیروی از موالی خود خویشتن را بفعالیت نامزد فرمایند. ایرانیان اگر فی الحقیقه در دعوی شیعه کی خود صادقند در پیروی موالی خویش باید اجاز فعالیت دهند. و حیثیات مذهبی را درین موقع نازک در طالبان آشکار و شیعه کی خود و پیروی از موالی خویش را طاهر سازند که فرموده اند (القتل اولاً من رکوب العار)

ترجمه از رساله سیاست اسلامی

( مؤلفه ( مسیو مارین ( آلمانی )

( رولیبون بزرگ یا سیاست الحسینیه )

مؤلف رساله مذکور که فیلسوف معروف و حکیمی مشهور و واقفترین فرنگان سیاست اسلامی و از مورخین بزرگ بشمار است در رساله مزبوره که مبنی بر فلسفه اسلام است فصلی بعنوان مذکور نگاشته که یکی از اسلاخواهان ترجمه آن فصل را برای اداره فرستاده و ما نیز بمناسبت محرم و حالت کنونی شیعیان خاصه ایرانیان عیناً درج می نمایم

فصل هفتم در فلسفه مذهب شیعه

حسین بن علی بن ابوطالب بن عبدالمطلب بن هاشم بن عبدمناف ( علیهم السلام ) نیره محمد است (ص)

که اثر دختر محبوبه اش فاطمه (ع) بوجود آمده، و میتوان گفت اخلاق و صفاتیکه در آن دوره در عرب منتحن بود تمام را دارا و شجاعت را موروثی از پدر داشت. طلترین مسلمانان با حکام دین جدش بود و محبوب ترین صفات را که سخاوت بود بدرجه کمال داشت. خلیل فصیح البیان طلیق اللسان بود. مسلمانان در عقیدت بحسین (ع) بالاجماع متفق و حق طوائفی که به پدر و برادرش زشت میگویند ( غرض مؤلف از حواجز است ) و برا مداح و ثنا خوانند. کتبش مشحون از ملکات حسنه و سجایای مستحسنة است. غیور و راستگو و غیر مرعوب بود

غالب فرق مسلمین در حق حسین (ع) عقاید عظیمه دارند ولی چیزیکه ما میتوانیم در کتاب خود بدون بیم معارضه و با کمال اطمینان بنویسیم این است که پیروان علی ( یعنی شیعه ) پیش از آنچه نصارا در حق حضرت مسیح میگویند در حق حسین عقیده دارند همان قسم که ما بگوایم عیسی متحمل این همه زحمت برای عفو ذنوب نمود آنها در حق حسین قائل و در قیامت شافع مطلقش میگویند. چیزیکه ابدأ قابل انکار نیست هرگاه در حق حسین قائل شویم اینست که در عصر خود اول شخص سیاسی بوده و میتوان گفت که در ارباب دینت احدی چنین سیاست مؤثری اختیار نه نموده بود. با اینکه پدرش علی (ع) حکیم الاسلام و حکیمات و کایات شخصی او هم از سایر حکمای معروف عالم کم نبود. معذالك سیاست حسینی از او بروز نه نمود.

رای انبیا این نکته باید اندک تعطیل توجه بتاریخ عرب قبل از اسلام بشود. آنوقت خواهیم دید بین بنی امیه و بنی هاشم نسبت و قرابت بود یعنی بنی اعمام بودند چه امیه و هاشم پسران عبدمناف اند. و از قبل اسلام بین این پسر عمو ها تقار و کدورت بدرجه کمال بود و مکرر با یکدیگر قتال وجدال نموده و باصطلاح اعراب هر يك مر دیگری را خونخواه بود. در حرب مایه قریش بنی هاشم و بنی امیه عزیز و محترم و سیادت داشتند. بنی امیه به حیثیت ثروت و ریاست. بنی هاشم بلحاظ علم و روحانیت ( ریاست روحان همان خدمت

خانه کعبه بود و تا کنون هم در اختیار بنی هاشم باشد) در بدو اسلام کدورت بنی هاشم و بنی امیه خیل بالا گرفت تا وقتی که محمد (ص) فتح مکه نمود و تمام قریش و کلیه بنی امیه را مطیع و فرمانبردار ساخت. در متن واقع ریاست روحانی و جهانی عرب را متصرف گردید. این بود که ضعیف بنی هاشم در عرب بزرگ شده و بر بنی امیه مطاع شد. باطناً این پیش آمد آتش حسد در کانون سینه بنی امیه شعله ور میداشت، و در صده کشیدن کینه دیرینه از بنی هاشم بودند. تا پس از رحلت محمد (ص) موقع یافته بدو آتشیدند که جانشین محمد (ص) با اصول ولایت عهدی نشود. طاقت اصول (الکثن) اکثریت آراء را قرار دادند و قوت مخالفت بنی امیه نگذاشتند که در جانشینی محمد (ص) اکثریت آراء با بنی هاشم شود. درین میدان بنی امیه کامیاب و بر بنی هاشم غلبه جستند. به مناسبت همین خلیفه تراشی بنی امیه مقام منیبی حاصل نموده جاده را برای آینده خویش صاف کرده و همه روزه در نزد جانشینان محمد (ص) برجایگامشان افزوده و در امور سلطنت اسلام رکن و سکین گردیدند تا آنکه سومین جانشین محمد (ص) در بنی امیه مسلم گردید و بنی امیه در هر جا و هر کار و اتق و فائق مطلق گردیدند و برای آینده هم جایگاه خود را مستحکم نمودند. نظر با آن تقار و کدورت دیرین و خونهایکه بنی امیه بر سر عربان از بنی هاشم طلب داشتند کتر خلوص عقیدت و نیت باک باسلام ابراز میدادند و در باطن عار داشتند که پیرو دینی باشند که محتوم باسم بنی هاشم باشد. ولی چون مسلمانان در آنوقت بسیار بود و آنها هم مقاصد خویش را در سببه پیروی به همین دین میدیدند، علناً ابراز مخالفت نمی نمودند و ظاهراً هم پیروی میکردند. همینکه خود را بمقامات عالیه دیده و پایه جاه و جلال خویش را محکم نمودند علناً تمرد از احکام اسلام کردند و هم در دربار عام سخنان مستهزانه به دینی که بنی هاشم آورده بود گفتند (گویا غرض مؤلف از حرکات علنی و سخنان شفاهی یزید در دربار میباشد که ذکرش در اینجا مورد الطنب است)

بنی هاشم هم که کله را بدین منوال دیده و از

خیالات بنی امیه واقف گردیده بیکار نه نشسته حرکات سومین جانشین محمد (ص) را به پیرایه های عجیب و غریب بمردم نشان داده مسلمانان را بر خلاف وی شورانده تا آنکه سومین جانشین محمد (ص) را که عنایت (رض) و از بنی امیه بود رؤسای طبقات مسلمانان شرکت کرده بقتل آوردند و از روی اکثریت آراء علی (ع) چهارمین جانشین محمد (ص) قرار گرفت. پس از این وقعه بنی امیه یقین کردند باز بنی هاشم دارا سیادت و عظمت مانند دوره محمد (ص) خواهند گردید این بود که معاویه که از دیرباز از جانب جانشینان سابق حاکم شامات و خلی مقتدر و مردی ذبیرک و دوربین بود به بهانه اینکه قتل عثمان باشاره علی بوده بیرق مخالفت برافراشت و اختلاف بین مسلمانان انداخته بهان اصول قبل از اسلام شمشیر بین امراب آخته گردید. درین جنگهای عظیمه ولو معاویه غالب بر علی نیامد مغلوب هم نگردید این بود که سرپیچی بنی امیه از ریاست بنی هاشم علنی و طولی نکشید که علی (ع) را هم کشند. از آن بعد کاملاً معاویه غالب و حسن برادر بزرگ حسین که بجم جانشین محمد (ص) بود با وی صلح کرد و جانشینی محمد (ص) دوباره بر بنی امیه مسلم آمد. معاویه از یکطرف مقتدر میگردد و از طرف دیگر با تدابیر عملی در اضمحلال بنی هاشم میکوشید و در محو ابدی آنان دقیقه فروگذار نمی نمود. حسین با اینکه در تحت نفوذ برادرش حسن بود ولی در اطاعت از بنی امیه حاضر نبود مخالفت هم نمی ورزید. حسین بالطن میگفت من در راه حق کشته خواهم شد و دست بناحق نخواهم داد. بنی امیه را از او تشویش بوده این کشمکش ماند تا وقتی که حسن (ع) و معاویه در گذشتند و یزید جانشین معاویه گردید. یعنی جانشین شخصی او با اصول ولیمهدی، از بعد علی جانشینی بوضع (الکثن) موقوف گردید. فقط بعد از تعیین ولیمهدی رضایت نامه از بزرگان حاصل نموده یعنی از رؤسای قوم بیعت میگرفتند. حسین (ع) دید از یکطرف حرکات بنی امیه که سلطنت مطلقه داشتند و در آن اوان محاسن بر ریاست روحانی اسلام هم بودند نزدیک است عقیده مسلمانانرا بدین جدش متزعزع سازد. از طرف دیگر هم دانسته بود که اهم بر اینکه طاعت بکنند از نزد

یا نکند بی امیه نظر بعداوت دیرینه و خیالات مال  
اندیشانه درحو بی هاشم فروگذاری نخواهند نمود،  
و مرگه چندی بدینوال بگذرد نام و نشان درین  
حالم از بی هاشم باقی نخواهد ماند، این بود که مصمم  
انداختن (رولیسیون) در اسلام و خلاف بی امیه  
گردیده، چنانچه از آن ساعتی که یزید بجای معاویه  
قرار گرفت حسین نمود از اطاعت او را واجب  
قرار داده و مخالفت خود را با او مستور قرار نداد  
و یزید هم مجد و گرفتن بیعت و اطاعت حسین  
گردید، این بود که حسین علماً و عامداً برای آن  
خیال عالی که در سر داشت تن بمرگ داد و بیعت  
قدسی برای کشته شدن خود در انداختن رولیسیون  
در اسلام گردید

ساح و جدان اگر مذاقه در اوضاع آن دوره  
و بشرف مقاصد بی امیه و وضع ترغیع مسلمانان  
و استیلائی آنها بر جمیع طبقات مسلمین داشته باشد  
بلانامل تصدیق تواند کرد که حسین از قتل خویش  
احیای دین جدش و قوانین اسلام نمود، و اگر  
چنین واقع میشد بود و حسن الکتربی از  
کشته شدن حسین در مسلمانان پیدا نمی شد قطعاً  
اسلام بشکل حالیه خود باقی نمائی و ممکن بود  
چون ابتدای اسلام بودی یک مرتبه رسومات و  
قوانین او ضایع گردد

حسین که از بعد بدر مصمم در اجرای این مقصود  
عالی بود بعد از نشستن یزید بجای معاویه از مدینه  
بدین قصد حرکت کرد که در مراکز مهمه اسلام  
مانند مکه و عراق نیز این خیال بزرگ خویش را  
منتشر سازد و در هر نقطه که حسین قدم میگذازد  
نفرت قلوب که مقدمه (رولیسیون) بود نسبت به  
بی امیه در مسلمانان تواید میشد، یزید هم که ازین  
سکات باریک بخیبر نبود دانست که اگر در یک نقطه  
از مملکت (رولیسیون) شود و حسین در برابر  
او بیرق مخالفت بلند کند یکی بواسطه نفرتی که  
مسلمانان از وضع سلوک و حکومت بی امیه پیدا  
نموده بودند و دیگر بملاحظه توجه قلبی که بحسین  
دارند بسرعت آن (رولیسیون) در تمام مسالک  
اسلامی کسب عمومیت نموده و زوال سلطنت ابدی  
بی امیه در خواهد رسید، این بود که بعد از  
حدس و تخم قتل از هر اقدام مصمم قتل حسین

گردید، و این بزرگترین غلطیهای سیاسی بی امیه  
بود و از همین یک خطای سیاسی نام و نشان  
خود را از صفحه عالم محو کردند.

بزرگترین دلیل که حسین بقتلگاه رفت و ابداً  
قصد سلطنت و ریاست داشت این است، که  
حسین با آن علم و سیاست و تجربه که از عهد پدر  
و برادر در مخالفت با بی امیه حاصل نموده بود  
میدانست که با عدم موجودکی اسباب خود و آن  
همه اقتدار یزید مقاومت با او ممکن نیست، دیگر  
آنکه حسین از بعد بدر پیشین گوئی از کشته شدن  
خود می نمود و از آن ساعتی هم که از مدینه  
حرکت کرد بی پرده و با آواز بلند میگفت که من  
برای کشته شدن میروم و بمجمیع مرامان خود  
هم همین بیان را محض اتمام حجت میکرد که هر کس  
بطمع جاه و جلال با او معیت کرده ترک همراهی  
او را گوید، و ورد زبانش این بود که من راه  
قتلگاه در پیش دارم، و نیز مرگه حسین باین قصد  
و اراده بود یعنی علماً و عامداً به کشته شدن تن  
در میداد در جمع نمودن لشکر ساعی میگردد، نه  
اینکه جماعتی هم که همراه داشت متفرق سازد،  
چون قصدی جز کشته شدن که مقدمه آن خیالات  
عالی و آن (رولیسیون) مقدس بود مدنظر نداشت  
بزرگترین وسیله را بی کسی و مظلومیت دانسته و  
اختیار کرد تا مصائب وی در قلوب مؤثرتر واقع  
گردد

ظاهراًست با آن محبوبیت که آن زمان حسین  
در مسلمانان داشت اگر مصمم بجلب قوت شده بود  
میتوانست لشکری انبوه گرد خود فراهم آورد، در آن  
صورت اگر کشته می گردید بهوای سلطنت میگفتند  
و مظلومیتی که نتیجه اش آن (رولیسیون) اعظم  
بود حاصل نمی شد، این بود که بگذارد نزد خود  
جز کسانی که انفکاکشان از وی ممکن نبود مانند فرزندان  
و برادر و برادرزادگان و بی اعمام و چند نفر تابعین  
خاص خود، حتی با آنها هم تکلیف انفکاک نمود قبول  
نکردند و آنان هم کسانی بودند که نزد مسلمانان به تقدس  
و جلالت قدر موصوف بودند و کشته شدنشان با  
حسین مزید بر عظمت و آثار آن واقعه گردید، با  
قوه علم و سیاست حسین در انشای ظلم و ستم بی امیه  
و از آن خطاکنان در عداوت با حسین و اولاد

محمد (ص) دقیقه فروگذار نمود .

منجمله چون عداوت بنی امیه را نسبت بنمود و خاندان خویش میدانست دانسته بود که بعد از کشته شدن وی زبان و اطفال بنی هاشم (که آل محمد بودند) اسیر خواهند شد و این واقعه در مسلمانان خاصه در عرب پیش از آنچه به تصور آید مؤثر واقع خواهد گردید، چنانچه همان طور هم شد، و حرکت طلائفه بنی امیه و سلوک بیرحانه آنهاست بحرم و صبایای پندمیر خود باندازه در قلوب مسلمانان مؤثر افتاد که ارزش از صکته شدن حسین و همراهانش کمتر نبود و عداوت بنی امیه را با خاندان محمد (ص) و عقاید آنها را با اسلام و سلوکلشان را با مسلمانان آشکارا ساخت، این بود که حسین به دوستان خود که او را حمایت از این سفر می نمودند بالعلن میگفت « من برای کشته شدن میروم » و چون خیالاتشان محدود و از مقاصد عالیّه حسینی بی اطلاع بودند، در منع مسافرت او ابرام میکردند، آخرین جوابش با آنها این بود « خدا چنین خواسته و جدم چنین امر فرموده است » و همینکه اصرار میکردند حال که برای کشته شدن میروی زبان و بجه ها را همراه مبر، جواب میداد « خدا عیال مرا اسیر خواسته » و این سخنان حسین چون در آن وقت بریاست روحانی مسلم بود لاجواب بودی، و دال است بر اینکه حسین جز اجرای خیالات عالیّه که در سر داشت مقصد دیگری بخاطر نمیگذرانید و این صدمات را برای حصول سلطنت متحمل نگردید، و نیز نادانسته درین مهلکه عظیم ورود نمود، چنانچه برخی از مورخین ما تصور کرده اند، بدلیل اینکه با خواص خود که کله باز و دماغی روشن داشتند قبل از وقوع واقعه با اهلای دراز برسبیل تسلیت از مصائب قبل از وقوع خود می سرود « بعد از کشته شدن من و ظهور آن مصائب جنگاه خداوند جماعتی را برانگیزاند که حق را از باطل تمیز دهند، و قبور ما را زیارت کنند، و بر مصائب ماند بنمایند و دمار از روزگار دشمنان آل محمد بر آورند، آن جماعت دین خدا و شریعت جدم را ترویج دهند و من و جدم آنها را دوست داریم، و در قیامت با ما محشور خواهند بود »

درست اگر حرکات و حرکت حسین دقت شود دیدخواهد شد که سیاستاً دقیقه از ابراز شایع بنی امیه و ظهور عداوت قلبی شان با بنی هاشم و مظلومیت خویش فرو

گذارنده نمود، و این منتهای سیاست و قوت قلب و از خود گذشتگی او را در راه مقصود عالی خویش ثابت مینماید، حتی در آخرین لحظه حیات در غاده طفل شیرخوار خود کاری کرد که عقول فلاسفه و متعجب ساخت، که درین دم آخر با آنچه مصائب جنگاه و افکار مزاکه، و عیش، و کثرت جراحات، باز هم از مقصد عالی خود صرف نظر نهمود و با اینکه میدانست بر فرزند صغیرش بنی امیه رحم نخواهند کرد محض بزرگ ساختن مصائب خود او را هم بر سر دست گرفته بظاهر التجای آب برایش کرد، و با تیر جواب شنید گویا حسین ازین حرکت قصدش این بود که طلائف بداند که عداوت بنی امیه با بنی هاشم تا چه اندازه بوده، و آموختند که یزید برای دفاع از خود ناجار برین اقدامات فجیعانه بود، چه کشتن طفل شیر خواره در چنین حال با آن وضع دهشتناک جز وحشیت و عداوت سبعانه که منافی با قواعد هردین و آئین است هیچ چیز را ظاهر نمیداشت، و همین یک نکته میتواند برده از روی قیاب اعمال و نیات فاسده و عقاید بنی امیه بردارد و بر طلائف خاصه مسلمانان ظاهر داشت که بنی امیه نه تنها برخلاف احکام اسلام حرکت مینمایند، بلکه از روی عصیبت جاهلان ساعی اند که دیاری از بنی هاشم خاصه باز ماندگان محمد (ص) را باقی نگذارند

با این خیالات عالیّه که حسین مد بصر داشت نظر بآن وفور دانش و سیاستی که مر او را مسلم بود تا وقتی که کشته شد مرتکب امری نگردید که مجبوریت بنی امیه را در دفع او ظاهر دارد، حتی با آن نفوذ کله که در آن موقع داشت و با آن اقتدار مسلمه شهری از شهرهای اسلامی را مسخر نداشت، و بر حکومتی از حکومتهای یزید حمله نمود، و عاقبت قبل از آنیکه حرکت غیر مطیعانه یا سلوک بلوی خواهانه از او ابراز شود ویرا در بیابان لم یزومی محاصره کردند، حسین هرگز نگفته بود من پادشاه خواهم شد یا پادشاهی می خواهم، فقط عنایع بنی امیه واضح محلال اسلام را از مسلک آنان گفته و از قتل خود خبر میداده، و از مظلومیت خویش دلشاد بود و وقتی هم که در بیابان محصورش داشتند اظهار نمود که اگر او را بگذارند حاضر است عیال و اطفال خود را گرفته از سلطنت یزید یعنی مملکت اسلامی خارج گردد، همین نکته که

سلامت نفس حسینی را میرساند منتها درجه اثرا در قلوب مسلمانان برخلاف بنی امیه بخشد  
 قبل از حسین هم بسیاری از رؤسای روحانی و ارباب دیانت مظلوم کشته شده و بعد از قتلشانم روپسیون شده و تابین شان برخلاف دشمنان آنها تیغ کشیده اند، چنانچه در بنی اسرائیل مکرر واقع گردید و قضیه یحیی یکی از واقعات بزرگ تاریخی است، و همین قسم سلوکی که یهود با حضرت مسیح نمودند تا آن زمان نظیرش واقع نشده بود، ولی واقعه حسین بر همه مزیت پیدا کرد

از تاریخ معلوم نمی شود که که احدی از روحانین و ارباب دیانات بخیالات عالیه متأخره عالماً و عاملاً خود را بکشتن داده باشد، یعنی هر يك از ارباب دیانات که کشته شده عنفاً دشمنانشان بر آن ناحیه و مظلوماه از بایش در آورده و اندازه مظلومیتشان (روپسیونیم) بعد از آنها پیش آمده است، ولی واقعه حسین عالماً و حکیمان و سیاستبان بوده و در تاریخ دنیا نظیر ندارد، چندین سال متوالی حسین تدارک کشته شدن خود را دید، و مقصدی بسیار عالی مد نظر داشت، و در تاریخ بیست کسی که برای ترویج دیانت خود در آتیه عالماً و عامداً جان داده باشد جز حسین، مصائبی که حسین در راه احیای دین جوش بر بر خود خرید رساندین از ارباب دیانات مزیت دارد و بر احدی از گذشته گان وارد نیامده و بر فرض که گفته شود اشخاص دیگر هم در راه دیانت جان باخته اند ولی بوضع حسین نبوده، حسین جان شیرین خود را داد فرزندان عزیز برادران برادر زاده گان دوست و اقربا را تمام داد، مال داد، عیال را باسیری داد و این مصائب یکدنده ناگهان و نادانسته واقع نشد که حکم يك مصیبت را داشته باشد بلکه برور زمان و یکی بعد دیگری این مصائب ورود نمود

و در تاریخ دنیا هجوم اینگونه مصائب بی دربی اختصاص بحسین داشته است، این بود که از عظمت مصائب حسین بمجرد کشته شدن او ویش آمدن آن واقعات درد انگیز و اسیری زمان و دخترانش یکدنده کشف سراز بنی امیه شد، و قبائح اعمال آنان ظاهر گردید، حق سیاسی و ماده روپسیون در مسلمان پیدا و برخلاف سلطنت یزیدی و آل امیه (روپسیون) آغاز گردید، و بنی امیه را مخرب اسلام دانسته بمجولات

و بدع آنها را رد کردند و نظام و قاصب نامیدند برعکس بنی هاشم را مظلوم و مستحق ریاست و حقیقت روحانیت اسلام در آنها شناخته آمد، گویا مسلمانان زندگی از نو گرفته، و روحانیت اسلام را روتقی تازه نمودار شد، ریاست روحانی اسلام که یکدنده زائل شده بود و مسلمانان گویا جنبه روحانیت اسلامی را فراموش نموده بودند با يك نورانیت و شفافیت تجدید شد، همان قسم که عظمت مصائب حسین بر حقیقت مصائب روحانین سلف مسلم بود، عظمت روپسیونهای هم که بعد از واقعه حسین پیش آمد مزیت بر روپسیونهای سلف داشت و امتدادش هم پیش و اثراتش نیز زیادتر بود ازین رو مظلومیت بازماندگان محمد (ص) در عالم علم گردید. اولین نتیجه این (روپسیون) این شد که ریاست روحانی که در عوالم سیاست دارای اهمیت بسیار است مجدد در بنی هاشم و مخصوصاً در بازماندگان حسینی مسلم گردید، (غرض موافق ازائمه اطهار است) تاکنون هم بنی هاشم خاصه کسانی که از نژاد حسین اند يك نظر روحانیت جمیع مسلمانان شان می نگرند، و سالی چند طول نکشد که سلطنت با آن اقتدار و وسعت از خاندان یزید و معاویه نزع و در کمتر از يك قرن سلطنت از قایم بنی امیه سلب گردید، و بقسمی مضحل و نابود شدند که امروزه اسم و رسم و نام و نشان از آنها نمودار نیست و هر وقت هم در متون کتب نامی از ایشان ذکر شود با يك کلمه شهادت مسلمانان توأم می سازند، و اینها تمام نتایج سیاست حسینی است که میتوان گفت در ارباب دیانات و روحانین سلف تا امروز چنین شخص عاقبت اندیش دور بین باگذشت مستقل المزاجی تاریخ بیادگار نگذارده

هنوز اسرای حسین نزد یزید نرسید بودند که بیرق خونخواهی حسین بلند و (روپسیون) برخلاف یزید آغاز شد، مظلومیت حسین کشف کایه سراز بنی امیه نمود و پرده از روی نیات آنها برداشت، حق در خاندان خود و حرم سرای یزید زبان شهادت بروی دراز گردید با اینکه ممکن نبود نام حسین و خاندان علی در حول و حواشی یزید به نکوئی برده شود، پس از این واقعه در دو بار عام و در خلوت و جلوت یزید مجبوراً نام حسین و خاندان علی را به تقدس و عظمت و مظلومیت میشنید و با اینکه این استقامت بروی خیل ناگوار بود جز سکوت چاره نمیدید، و وقتی تهره



از این اعمال جسته قصور را بر امرای خود میداد، از بس بزیدهامد حسین را بس از آوازه شنید روزی گشت و سلطنت حسین بر من گوارا تر بود نسبت باین عظمت و تقدسی که آل علی و بنی هاشم یاد میشوند به بالاخره پیروان حسین متوالیاً از این روایسیونها فائده حاصل نموده بر عظمت و قوت بنی هاشم هم افزوده میشد و کتر از قرن نگذشت سلطنت وسیع اسلامی در بنی هاشم مسلم گردید و قسمی بنی امیه را از میان برداشتند که نام و نشانی از آنها باقی نماند، فقط تا چند قرن چند نفرشان یکی بعد دیگری در (اندلس) ریاست کردند، امروز از آفت خاندان بزرگ که قرنها دارای عظمت و سلطنت عظیم بودند یکذکر ولو گمنام باشد پیدا نتوان نمود، و اگر هم پیدا شود از بس مطموسند حسب و نسب خود را مستور میدارند چنانچه مشهور است سلسله قاجاریه سلاطین حلیه ایران بنی امیه ولی خودشان منکر این شهرت و تبری می جویند

بعد از یکقرن هم که بنی هاشم قلابه سلطنت بگردن انداختند از بی اعمام حسین بودند نه اولاد او، چه اولاد حسین ازوا گزیده و مطلقاً ریاست روحانی اسلام مسلم آنها گردیده بود، بنی اعمام حسین (منشاء مواف از بنی عباس است) اگرچه این سلطنت را از برکت روایسیونهای پیروان حسین یافتند، ولی بعد از یافتن سلطنت بر مقام خود نرسیده سخت از ارباب روایسیون جلوگیری کردند که مبادا سلطنت اسلام هم رفته رفته در خاندان حسین جای گیرد، اول بواسطه جلوگیری سخت آنها و دیگر بواسطه قلع و قمع بنی امیه و رفع ماده روایسیون رفته رفته از سورت آن روایسیونها کاست دانایان تابعین حسین و علی [ع] همینکه مانع را سخت و ماده راست دیده دانستند که با سلاطین بنی هاشم که خیلی مقتدر اند و بواسطه تشنت خیالات همومی با روایسیون در مقابل آنها مقاومت نتوانند کرد، بظاهر ترك روایسیون گفته در باطن صورت او را تغییر داده بجمع شدن دور هم و ذکر واقعات و مصائب وارده بر حسین ماده آن روایسیون اعظم را زنده و تازه نگاه میداشتند

سلاطین بنی هاشم [یعنی بنی عباس] که بی بدین تدبیر پیروان حسین برده پیش از پیش اندیشید

و سخت جلوگیری از آن و لازم دانسته باندازه تقییب کردند که تابعیت علی و حسین در هر کس علی و آشکاری شد مانند سخت ترین مجرم پلنیک با وی رفتار می کردند، و باین جرم هزاران نفوس پیروان حسین مصلوب و مقتول و مجروح و محبوس گردید، با آن شدت و سختی باز هم نتوانستند قلع مواد روایسیونی را از پیروان علی بکنند و هر قدر سختی کردند بر قوت و شدت آنان افزود، تا ماقبت هم به تدابیر همان پیروان حسین سلطنت این طبقه [یعنی بنی عباس] هم خانه پذیرفت [مقصود مؤلف از خواجه طوسی علیه الرحمه است] و چندی سلطنت در اولاد حسین گردش میکرد [غرض مؤلف از خلفای قاطمین است]

بعد از حسین ریاست روحانی در اولاد او یکی بعد دیگری بود [گویا مقصود مؤلف ائمه طاهریین است] آنها هم عزاداری حسین را جزء اعظم مذهب قرار داده، این نکته سیاسی رفته رفته لباس مذهبی پوشید و هر قدر از نتایج آن قوت دو پیروان علی پیدا شد ذکر مصائب حسین علی تر گردید، و هر چه درین امر کوشیدند بر قوت و ترقبشاف افزود، کم کم رموز دانان مقتضیات وقت شکل ذکر مصائب حسین را تغییر داده هم روزه به پیروان آن افزودند تا جایکه امروزه در هر نقطه که مسلمان باشد تعزیه داری حسین نمودی عظیم دارد، و در اقوام و ملل سایر هم رفته رفته سرایت کرده خصوصاً در حاجین و هند، و عمده سبب تاثیر آن در اهالی هند اینست که طریق عزاداری خود را مشابه مراسم عزای آنها قرار داده اند

عزاداری حسین يك صد سال پیش نیست که در هندوستان شیوع تامه یافته و علی شده است، درین قلمب زمان از این سر تا آن سر هند را احاطه کرده و چنان دیده می شود که هم روزه در ازدیاد است.

بعض مورخین ما از کیفیت و کیفیت این رسم و رواج واقف نبوده بی اطلاعات سخن رانده وضع مآخذاری پیروان حسین را مجنونانه میکارند، و اولاً بی تجربه اند که این مسئله در اسلام چه تغییر و تبدیلات داده، حسن پلنیک یا جنبش و هیجان مذهبی که از تعزیه داری در این قوم پیدا

شده در هیچ قوم دیده نمی شود ، هرکس در ترقیات صد ساله پیروان علی در هندوستان که عزاداری را شعار نموده غور نماید تصدیق خواهد کرد بزرگترین نکته مزیت را آنها پیروند ، یکصد سال قبل عدد پیروان علی و حسین در تمام هند انگشت شمار بود و امروز سومین قوم هندوستان بر حسب عدد گردیده اند ، و همین حال را دارند در سایر نقاط ،

وقتی که پروگرام دعای خودمان ( یعنی دعای مسیحی ) را مقایسه می نمایم با آنچه صرف قوت و ثروت خواهیم دید که به ده یک ترقیات این فرقه حائز شده اند ، اگر چه کشیشان ما هم از ذکر مصائب حضرت مسیح مردم را خیلی متأثر می سازند ولی نه بآن وضع و اسلوب و شکلی که در پیروان حسین مروج است ، و گویا سبب این باشد که مصائب مسیح در جنب مصائب حسین تا آن درجه مؤثر و دل گداز می باشد ،

مورخین ماریست که حقیقت رسم و عادات اقوام یگانه را پی برده مجنونانه نگویند ، نگارنده ( مؤلف ) گوید صیحات قانون محمد ( ص ) و ترقی مسلمین و نزاکت اسلام را از کشته شدن حسین و بروز آن واقعات میدانم ، همین قسم دماغ پلنگی و حس رولیسونی که ندادن تن بزربار طه و ستم باشد و در نزد حکمای سیاسی شریف ترین شعار و نیکو ترین سمادات و صنایع مدوحه هر انسانی است ، درین قوم بواسطه عزاداری حسین پیدا شده و تا وقتی که این عمل را ملکه خود داشته باشند یستی وزیر دستی را قبول نتوانند کرد

قدری باید باریک شد که در مجالس عزاداری حسین که منعقد می شود چه نکات دقیق حیات بخش بیکدیگر می شنوایند و در معنی می آموزند نگارنده ( مؤلف میگوید ) چند نوبت که ذکر مصائب حسین می شد در اسلامبول با مرجع مخصوص رفته شنیدم میگویند حسین که امام و پیشوای ما بود و اطاعت و پیرویش بر ما واجب است زربار زیادتی و زبردستی یزید نرفت ، و برای حفظ شرف و علو حسب و بزرگی مقام خود مال داد ، جان داد ، اولاد داد ، عیال داد ، و در هوش نام نیک در دنیا و شفاعت در آخرت و تقرب در

درگاه خداوندی جست ، دشمنان خسرالدنیا و الآخره گردیدند ، از آن بند دیده و دانستم که در متن واقع علناً بیکدیگر تعلیم میدهند ، که اگر پیروی از حسین دارید ، اگر شرف دارید ، اگر حس سبادت جوئ و جنبه اقتضای دارید ، شما هم نباید زبردستی از یزیدیان نوعی اختیار کرده بلا ظلم بکشید ، و حیات بذلت را با مرگ به عزت ترجیح دهید تا در دنیا و آخرت خوشنام و رستگار گردید ، مسلم است قومی را که از مهد تا لحد اینگونه

تعلیمات داده شود دارای چه ملکات عظیمه و سجایای عالیه تواند گردید ، دارای همه گونه سعادت و شرافت خواهند شد ، همه سراز حقیقی عزت قومی و افتخار نوعی خود خواهند بود - اینست نکته تمدن حقیقی امروزه ملل مقدّمه ، اینست تعلیم حقوق شناسی ، اینست معنی تعلیمات دیپلماتی ، ما اروپائیان همیشه وضع حرکات ظاهری قومی را در مراسم ملی یا مذهبی منافی با اصول خود دیدیم مجنونانه دانسته و وحشیانه میگوئیم ، غافل از اینکه هرگاه به مقصود آنها پی بریم عاقلانه و سیاسیانه خواهیم دید و گفت ، جناحه دین فرقه و قوم ( مقصود از فرقه شیعه است ) نتایج آنچه گشتیم بخوبی مشهود است ، باید حقیقت رسم و دراج هر قوم و ملت را به بینم ورنه اهالی آسیا هم بسیاری از مراسم ما را نه پسندیده و برخی حرکات ما را منافی با آداب خود میدانند و غیر مذهبانه بلکه وحشیانه می بدانند ( مانند توقیف زن و مرد در محافل عمومی )

علاوه بر منافع سیاسی که ذکر کردیم که طبعاً اثرات طبیعی است بزرگترین درجات اخروی را مسلمانان درین عمل ( یعنی تعزیه داری حسین ) میدانند ، هرکس بتاریخ آشنا و از طبیعت اهالی آسیا واقف باشد تصدیق خواهد نمود که اصلاح اخلاق و تعلیمات پلنگی جز بوسیله مذهب امروزه بلکه تا دو قرن دیگر در اهالی آسیا غیر ممکن است ، ثمرات حب قومی و وطن را باید در سایه مذهب از اهالی آسیا حاصل کرد ، مثل چند قرن سابق اروپا ، امروز نمیتوان از اهالی آسیا مانند اروپا بام خدمات نوعی و وطنی خدمت خواست ، ولی بذریعه مذهب میتوان خدماتی از آنها گرفت که فرائض

قوم و وطن باید گردد .

را دارد احاطه می نماید

﴿ ترقیات عبر العقول فرقة شیعه ﴾

( داکتر جوزف ) که یکی از مورخین معروف فرانسه است در کتابی که به ( اسلام و اسلامیان ) موسوم نموده شرح ترقیات هر یک از ملل اسلامی را مدلل و مترج نوشته ، مصنف مزبور مدعی است که تا کنون شرح حالات مسلمانان را مدللانه مثل او احدی از مورخین اروپا نگاشته است

داکتر موسوف بدو مسلمانان را بدو قسمت منقسم نموده میگوید ، که از بعد رحلت بان اسلام ( محمد ابن عبدالله صلعم ) بمناسبت جانشینی او که مسلمانان بنسط ( خلافت ) یاد میکنند اختلاف کله و عقیده درناهمین وی پیدا شد ، فرقه خلافت دامادش ( محلی ابن ایطاب علیه السلام ) قائل و فرقه دیگر بخلافت بدر زن او ( ابوبکر ابن ابی قحافه ، رض ) گردنفرهادند ، محققاً از همان روزی که محمد ابن عبدالله ترك ابن جهان گفت این اختلاف کله در مسلمانان محسوس آمد .

ولی از تواریخ نمیتوان دریافت نمود که این دو فرقه کسب اسمی جداگانه در چه تاریخ کرده اند ، یعنی در چه زمان پیروان داماد شیعه و تابعین بدو زن بسنی نامزد گردید ، ولی روز و روز تبانیست این دو فرقه زیاد شد تا ایامیکه داماد جانشین شده و زوجه پیغمبر ( عایشه . رض ) که دختر جانشین اول بود و محالنت او برحاست و برادر زن دیگر محمد ( معاویه ) در شام بیرق پادشاهی ابراشت و جنگها شد و خوفا ریخته گردید تا آزمان بینوفت این دو فرقه قلبی بود وقتی کار بخونریزی و خونخواهی کشید بعداوت طامری منجر گردیده هر یک باسم آشکارا و بافتحار یکی خود را شیعی و دیگری سنی نامید .

تا وقتیکه پادشاه شام بنای قتل و غارت پیروان داماد ( محمد . صلعم ) را گذارده و نام و برا بدشنام و زشق یاد کرد و هراو ماه این دشنام را در منابر و مساجد مسلمین در حق داماد ( محمد . صلعم ) روا داشتند ، این عمل عداوت را بن شیعه وسنی زیاد نمود ، تا اینکه طایفه شیعه نیز نفر از بزرگان آنها را عمل نیک شمرید ، با این همه جوشت حکومت و اقتدار نامه جز در ایام قلبیه یعنی همان

امروزه که از سیصد ملیون نفوس اسلامی جز پنج ملیون دارای استقلال دیده نمی شود هرگاه مسلمانان مذهب را بس پشت انداخته باسم قومیت بخواهند ترقیات سیاسی حاصل نمایند ( یعنی حیات یلتیکی خویش را باز گیرند ) بجای فتح مصائب خواهند برد . چه پنج حصه از مسلمانان در فشار ملل دیگر و مضحل در اقوام ساوه اند و هرگاه باسم قومیت بخواهند ترقی نمایند پنج حصه آنان محروم از حیات سیاسی خواهند گردید ، ولی هرگاه باسم جامعه اسلامی ترقی نمایند طبعاً روح یلتیکی در جمیع آحاد مسلمین نمودار خواهد شد ، بواسطه روابط روحانیه سایر ملل اسلامی که در فشار اقوام دیگرند از اضمحلال باز خواهند ماند . و مواد روحانی که امروزه مروج در میان مسلمانان است هیچ یک مانند تزییه داری حسین حس یلتیکی در مسلمانان پیدا نتواند نمود ، و هرگاه یکی دو قوت در مسلمانان باین قسم تزییه داری شیوع یابد و کسب عمومیت کند حیات سیاسی تازه در مسلمانان پیدا خواهد شد . امروز هم استقلالی که در مسلمانان ماقی مانده نصف عمده اش بواسطه پیروی از همین نکته است ( مقصودش سلطنت شیعه میباشد ) و می بینم روزبرو که سلطنت های اسلامی در سایه همین رابطه قوت گیرند و بدین وسیله مسلمانان عالم در تحت یک لوای اتحاد در آیند ، چرا که در جمیع فرق اسلامی طایفه دیده نمی شود که از روی دیانت منکر ذکر مصائب حسین شده و نفرت از آن نماید ، بلکه عموماً یک گونه رغبت طبیعی با دای این رسم مذهبی دارند و جز این یک نکته اتحادیه در مسلمانان مختلفه العقیده دیده نمی شود

حسین شیعه ترین روحانین بحضرت مسیح است ولی مصائب او شدید تر و سخت تر بود و بشرف اولیة پیروان حسین هم مانند قرون اولیة پیروان مسیح بیشتر بوده هرگاه مسیحیان اصول اولیة پیروان حسین را اختیار کرده بودند و یا موافق از خود مسلمانان پیروان حسین را از کار باز نمیداشت یکی ازین دو مذهب در قرون عبده عالم گیر شده بود چنانچه از وقتی که مانع از جلو پیروان حسین مرتفع گردیده ، مانند سبیل عدلیه سازده رسالت طایفه اسلامی

ایام خلافت (علی ابن ابیطالب علیه السلام) همراهی با فرقه شیعه نکرد و قوت و اقتدار آنان چندانی نبود مانند جراد منتشر بودند، و علانیه از خوف جان خود را آشکارا میسر کردند تا وقتی که نیره محمد (حسین عم) را محکم پسر پادشاه شام (یزید) این (معاویه) با اصحابش در حوالی سکوفه قتل رسانیدند. این مسئله خیلی کسب اهمیت نمود، و تا بهین داماد (محمد - صلعم) را برآشفتند ساخت و قوی نمود مستعد پیکار کرده و جنگها نمودند و خوفاً ریختند و ماتمها کردند، تا کار بجائی کشید که این فرقه عزاداری نیره پیغمبر (حسین عم) را جزو ایمن و مذهب قرار دادند، از آن راهی که این فرقه بزرگان دین خود را بعد از پیغمبر دوازده نفر از اولاد (علی و فاطمه عم) میدانند و قول و فعل هر يك از آنها را در هر مرتبه قول خدا و رسول و تالی قرآن میشمارند و ائمه آمان نیز این فرقه را تأیید در مصیبت داری (حسین - عم) کردند رفته رفته یکی از ارکان مذهب شیعه بلکه رکن اعظم آن مذهب قرار یافت

در قرون اولیه اسلام این فرقه چندان ظاهر نبودند، قلت این طایفه را بدر سبب میتوان تسلیم نمود، یکی آنکه از بدو اسلام ریاست و حکومت که بالاصاله مورت نشو و نمای پیروان يك مذهب میتواند شد بدست فرقه تالی بود، دیگر قتل و غارتی که در هر موقع و مورد از این طایفه شده است این بود که در اوائل قرن دوم اسلام یکی از امامان شیعه محض حنط نفوس و اموال تابعین خود باستار مذهب شیعه حکم نمود. تقیه این فرقه را قوی ساخت، چون آشکارا نبودند مخالفین قوی بجه ایشان دست قتل و غارت آنها نمی یافتند، و در برده مجالس ماتم فرام آورده در مصائب (حسین عم) میگریستند - این اثر بقدری در قلوب راسخ شده که دبری نگذشت این طایفه اوج گرفته ترقی کردند و چند نفر از وزرا و چندین نفر از پادشاهان و خلفا نیز بدین طریق بعضی در تقیه و برخی آشکارا گردیدند از بعد (امیر تیمور گورکانی) که سلطنت ایران اندک اندک بخاندان صفویه رجوع کرد فرقه شیعه را مرکز ایران قرار گرفت، بموجب تخمینیکه برخی ز سیاحتین فرانسه نموده اند روی هم رفته از شش

و هفت نفر مسلمانان یکنفر شیعه میباشد، از ترقی که این طایفه بدون هیچ اقدام جبری در قلیل زمان کرده اند میتوان گفت که در یکی دو قرن دیگر از روی عدد غلبه بر سایر فرق مسلمانان خواهند نمود، و علت همین تمزیه داری است که فردا در این فرقه را (مشرقی - داعی) مذهب خود ساخته است، امروز هیچ قطعه از نقاط عالم نیست که دو نفر شیعه باشد و اقامه عزای (حسین - عم) نه نمایند و بذل مال و منال نکند

در بندر (مارسل) یکنفر عرب شیعی بخری را دیدم که در (هوتل، مهان خانه) یک و تنها مجلس عزای آراسته کتاب گرفته بر سکری نشسته چیزی میخواند و گریه میکند و سپس نهنه مجلسی را که از مأکول و مشروب دیده بود بقراءت تقسیم نمود

این طایفه در این راه دو قسم بذل مال و منال مینمایند، برخی هستند که همه ساله از اموال خود بقدر استطاعت خویش در این راه صرف میکنند و این سالی از ملیونها فرانک میگذرد، و دیگر وقتبایست که این فرقه مخصوصاً برای اقامه مجالس ماتم گذارده اند و این مبلغ خیلی هنگفت است، میتوان گفت که جمیع فرق مسلمانان روی هر فرقه باندازه این فرقه بذل مال و منال در راه مذهب خویش مینمایند و موقوفات این فرقه دو گونه و سه گونه است نسبت بجمیع موقوفات سایر فرق اسلامی، این فرقه بلا استثناء سمت (مشرقی گری، دعابیت) مذهب خود را دارند، و این نکته بر جمیع مسلمانان پوشیده است، حتی شیعیان، خود هم تصور این فائده را از عمل خویش ندارند قصد آنان اجر اخروی است، ولی چون هر عمل در این عالم باید اثر خود را از روی طبیعت به بخشد این فعل نیز ثمرات خود را برای شیعیان میدهد.

مسلم است مذهبی که دارای پنجاه شصت میلیون (مشرقی) باشد لا محال ترقیاتی که شایان این جااست است رفته رفته خواهند نمود، حتی رؤسای روحانی و پادشاهان و وزرای این فرقه نیز از صفت (مشرقی گری) خارج نمیشاند، قنرا و ضعیف این فرقه چون ازین عمر فوائد کلی حاصل نموده و مینمایند پیش از بزرگان اقدام بر نگاهداری اقامه ماتم میکنند، البته \*

تواب آخرت و اجرت دنیای خود را در این عمل دیده اند

این است که جمیع زیادی از دانایان این فرقه سائر اشغال معاشیه را کنار نهاده بدن عمل مشغول اند و زحمت میکشند که ذکر فضائل بزرگان دین طوحوا و مصائبیکه بدن خانواده رسیده به نیکوترین وجهی قوه تقریر بتواند در سر منابر و مجالس عامه بر خلق بخوانند، ازین مشاقتی که این جماعت در این فن اختیار نموده مقررین اینها نیز از جمیع طوائف اسلامیة پیش است، چون تکرار یک مطلب مورت اشتهزاز قلوب و عدم تاثیر بود، این جماعت زحمتهای کشیده تمام مسائل اسلامیة که واجعب مذهب آنهاست در همین پیرایه در سر منابر ذکر مینمایند، تا کار بجائی رسیده که مردمان امی شیعه از رجال خواننده و فقهیده فرق دیگر اسلام از مسائل مذهب خود بسکه از دامان خویش شنیده دامانرا بد و کتب و حرفه را فرقه شیعه بدین ذریعه و بدرایع دیگر که نتیجه این ذریعه است بیش از سائر مسلمات مینمایند، امروز در هر سطره عالم ملاحظه شود بحیثیت عدد و نفوس شایسته ترین مسلمانان، معرفت و علم و حره و ثروت در فرقه شیعه دیده خواهد شد (مشتی گری) این فرقه در مذهب خود و با در سائر فرق اسلامیة محدود بست، بلکه در هر قوم که آحاد این طایفه قدم گذارند همان اثر و سرایت را در قلوب آن ملت خواهد کرد، عده کثیری که امروز از شیعیان در هند دیده میشود همه از اثر اقامه ماتم است

فرقه شیعه حتی در زمان سلاطین ستویه مذهب خود را زور شمشیر ترقی ندادند بقوت کلام حکه اثرش پیشتر از شمشیر است این طایفه بایندرجه ترقی بحیرالمقول نموده اند، امروز باندازه این فرقه در ادای مراسم مذهبی خود ترقی کرده اند که دولت مسلمانان را پیرو حرکات خود کرده هم تفریری از هند و فارسی و سائر مذاهب نیز شریک اعمال آنها گردیده اند، و این امر آشکار است که پس از بعضی قرن که این خیالات بطریق ارت باولادهای آن طوائف بودیعت سپرده شود تسلیم مینمایند و یا مصدق آن مذهب میشوند، چون فرقه شیعه تمام مطالب جلوه را را بسته به بزرگانی مذهب خود

میدانند، و در شدائد و حوائج خود مدد از آنها می طلبند فرق دیگر نیز که شریک افعال و اعمال ایشان میشوند بسیاری مذاهب تاسی جسته همین که از روی طبیعت آرزوی خود را یافتند اعتقادشان بیشتر راسخ میگردد، ازین قرآن و اسبابها میتوان استدراک کرد زمانی قلیل نگذرد که این فرقه من حیثالعدد تفوق بر جمیع فرق اسلامیة حاصل نمایند، تا یکی دو قرن گذشته سوائی ایران غالب این فرقه بواسطه قلت عدد و عدم قدرت در مذهب خود تقیه مینکردند، از زمانیکه دول مغرب زمین امر ممالک شرقیه استیلا یافته و جمیع مذاهب را آزادی بخشیده اند این فرقه بالعلن در هر نقطه به مراسم مذهبی خود اقدام مینمایند، و این آزادی در حق ایشان بدرجه مبدد واقع شده که اسم تقیه از مذهب شیعه مرفوع گردید، بمناسبت اسبابهاییکه ذکر شد این فرقه بمقتضیات عصر بیش از سائر فرق اسلامیة واقف شده در کتب معاش و تحصیل علوم زیاده بر دیگران اقدام دارند، ازین رو مردمان کارکن که کتب معیشت را بکندین نماید بیش از سائر فرق اسلام در آنها موجود است، چون غالب در کار اند ملازمین و خدام آنها طبقات تابع آنها میشوند، علاوه بواسطه کار محتاج علیه واقع میگردد دوستی و معاشرت ایشان با سائر فرق لازم و ملزوم اختلاف دیگران با آنها در شرکت مجالس و محافل آماست، و همین که مبشرین آنها بار بار اصول مذهب و کلمات و سخنان آنها را اصفا نمودند لا محاله مغرب آنان آشنا میگردد و عمل (مشتی) همین است، و اثری که بر این وضع مترتب میباشد اثری هست که جمیع دانایان دول و مغرب در ترقی دین مسیح با مصارف متعجبالمقول اختیار نموده اند

از جمله امور سیاسیة که بزرگان فرقه شیعه از چند قرن باینطرف لباس مذهبی پوشانیده و خبلی مورث حلب قلوب خودی و بیگانه گردید، همانا اخذ اصول (تیاتور) است باسم شیعه و تزییه در ماتم (حسین، عم) (تیاتور) را بدو حکمای هندوستان با اعراض چند که از موضوع بحث ما خارج است جز و عبادات خود قرار داده، سپس اروپائیان بمقتضای سیاست لباس تماشای برای پوشانده در تماشاهای عمومی امور مهمه سیاسی را برای جلب قلوب، در انظار عام و خاص جلوه

میدهند، و اندک اندک بیک تیردوشان شد. هم قریح  
 طبایع و هم جلب قلوب عامه در امور سیاسی، فرقه شیعه از  
 این نکته کاملاً قایم حاصل کرده لباس مذهبی بدو پوشانده  
 اند. چنان استنباط میشود فرقه شیعه این عملاً از طایفه  
 هند اتخاذ نموده اند، در صورتی ازی که باید  
 در تزیین و تشبیه به قلوب عام و خاص باید شود شده  
 واضح است که از یکطرف در مجالس روضه خوانیهای  
 متواتره و در منابر و مجالس ذکر مصائبی که بر بزرگان  
 دینشان وارد شده و ظلمهایی که بر (حسین، هم)  
 وارد آمده و با آن همه احادیث متوقانه که دوگریه  
 بر مصائب آل پیغمبر ذکر مینمایند شبیه آل مصائب را  
 نیز در انظار جلوه دادن خیلی اثر میبخشد و زیاده  
 بر آنچه به تصور آید عام و خاص این فرقه را راسخ العقیده  
 میگرداند، و همین نکات باریک سبب شده است که  
 از آغاز ترقی مذهب شیعه شنیده نشده است که جمعی  
 یا جماعتی از آنان ترک دین اسلام را گفته یا بسا فرقی  
 اسلامی بگردند

این فرقه شیعه را باقسام مختلفه درمی آورند گاهی  
 در مجالس مخصوص و مقامهای معینه، چون درین گونه  
 مجالس و مقامهای مخصوصه از فرق دیگر کمتر شرکت  
 می نمودند وضع (تیا توری) خاص ایجاد نموده شبیه در  
 آورده در کوجه و بازار در میانه جمیع فرق میگردانند  
 و بدین سبب آنگونه ازی که باید و شاید و از (تیا توری)  
 و تماشا در کار است در قلوب هر فرقه از خودی و بیگانه  
 می بخشد، و رفته رفته این عمل شبیه بقدری مورث توجه  
 عام و خاص گردیده که بعضی فرق دیگر اسلام و برخی  
 از هند نیز تقلید از شیعیان کرده به نقل شیعه با  
 آنان همراهی مینمایند، از جمیع ممالک اسلامی در هندوستان  
 عمل شبیه بیشتر مروج و فرق دیگر اسلام زیاده شرکت  
 در این عمل با آنان مینمایند. گویا اصول تیا توری و عمل  
 شبیه را در فرقه شیعه از روی سیاست سلاطین صوفیه  
 که اول سلسله بودند که بقوت مذهب سلطنت را بچنگ  
 آورده قوت دادند و سالی روحانی شیعه نیز اندک اندک  
 تأیید کردند و مجاز دانستند

از جمله اموری که اسباب ترقی و شهرت این فرقه  
 در مرجع شده همانا خود نمائی است بدین معنی که این  
 طایفه بواسطه مجالس ماتم و تشبیه و سینه زدن و گشتن  
 و علم گردیدن جلب قلوب دیگر فرق را بچینیت و  
 وجود و قوت و شوکت خود مینمایند، چه مسلماً

هر جمعیت و جماعتی جلب انظار و توجه خاطرهارا  
 بجانب خود تا اندازه مینماید، ده هزار نفر اگر در  
 شهری فرد فرد باشند و هزار نفر در یک جمع جمع  
 کردند آن هزار شوکت و نمایان شدن در انظار خاص  
 و عام از آن ده هزار نفر بیشتر میگردد، گذشته باین  
 هرگاه هزار نفر خود باشند هزار نفر هم از خلوص  
 بعضی برای تماشا و برخی بملاحظه دوستی و آشنائی و  
 گروهی برای انجام کارهای لازمه خود شامل آهنگار  
 در انظار قوت و شوکت آنها را دو گونه مینماید، این  
 است که در هر نقطه ولو جماعتی قلیل شیعه باشد از  
 خود نمائی در انظار حیضشان دو گونه و شوکت و  
 قوتشان دو گونه جلوه مینماید و بیشتر سبب علم شدن  
 و ترقی این قوم همین نکته است

من جمله امور طبیعی که مؤید فرقه شیعه در تأثیر  
 بقلوب فرق دیگر شده همانا جلوه مظلومیتی است که  
 این قوم نسبت به بزرگان دین خود میدهند، این مسئله  
 از امور طبیعی است که هر کس طبعاً طرفدار مظلوم  
 و غلبه ضعیف را بر قوی خواهد از است، ضعیف و  
 مظلوم ولو بناحق باشد از قوی و ظالمیکه بحق باشد  
 طبایع بشری بطور اغلب تر است، خاصه در صورتیکه  
 دور یا زمانی بر او گذشته باشد

مصنفین اروپا که شرح قتال و جدال و کشته شدن  
 حسین و اصحابش (علیه السلام) را نوشته اند با اینکه  
 هیچگونه عقیده یا آنها ندارند تا درجه ظلم و تعدی و بیرحمی  
 قاتلان آنها را تسلیم کرده مشتملانه نام قاتلین آنان را  
 می آورند. و این امور طبیعی است که هیچ چیزش  
 نمیتواند جلوگیری نمود، این نکته مؤید طبیعی فرقه  
 شیعه شده است

از جمله اموری که اصلاح فرقه شیعه و ترقیست  
 مقتضیه این فرقه را چراغ راه و هادی سیل مینماید،  
 همانا مسئله اجتهاد است، من درست نمیتوانم معنی و  
 حقیقت اجتهاد را بقسمی که عقیده شیعه بر آن است  
 درین صحیفه بیان نمایم، همینقدر میتوانم گفت که  
 اجتهاد این مذهب را از کمتری و اندر اس باز داشته و  
 خواهد داشت، اگر چه تا کنون مجتهدین این فرقه  
 کمتر از فوائد سیاسی اجتهاد بهره مند شده اند، ولی  
 دانشمندان همه قائل اند که به برکت اجتهاد اصول  
 مذهب شیعه بر پایه اقصای سیاست گذارده شده،  
 برای اقوام و مللایکه توسطت خود را پایه اصلاح و

ورستگاری دارین تصور مینمایند در ترقی آنها اجتهاد حکم کبریت احمر را دارد ، اجتهاد توائف مذهبی را دور و باقضای وقت یشرفقت کرده مذهب را از اندواس و کهنکی که لازمه امروز زمان است باز میدارد ، اجتهاد در مقامات سیاسیه جمیع افراد ملت را بدولت متحد میسازد ، اجتهاد هروقت ، موقع را مناسب بیند احکام مذهب را لباس سیاسی می پوشاند ، اجتهاد نمیگذارد نظر بتتضای وقت نقصی در مذهب پیدا شود ، فرقه شیعه بقدری اجتهاد را اهمیت داده که از ارکان بزرگ دین آنها قرار یافته ، هرگاه میانه مجتهدین و سلطنت شیعه اختلافی پیش نیاید و متحداً از روی بصیرت در ترقی دولت و ملت خود سعی نمایند ، اعم بر اینکه از همه گویه آفات انقراض محفوظ می مانند بهر درجه ترقیات که در خور مقام آنان باشد میتوانند نائل گردید ، مشروط بر اینکه طرفین به دانش و مال اندیشی و خیرخواهی نوع حرکت نمایند .

از جمله مسائل سیاسیه بسیار اهم که هماره مورد امیدواری و ورستگاری فرقه شیعه تواند گردید همانا اعتقاد بوجود حجت عصر (عجل الله فرجه) و انمار بظهور اوست ، چه این فرقه را عقیده بر این است که شب چون انسان در بستر راحت رود بدین امید باید بخوابد که صبح چون از خواب برخیزد حجت عصر ظهور کرده در تأیید او مستعد باشد ، و چنان عقیدت دارند که جمیع دول و ملل روی زمین تابع و زیر فرمان آنها خواهند آمد ، گویا فرد فرد شیعه بدون استثناء از شاه و گدا زن و مرد شب که در بستر میروند بامید ترقی و عالم گیری مذهب و اقتدار خود صبح از خواب بر میخیزند ، و مجتهدین را نواب حجت عصر میدانند ،

بر دانشمندان سیاست روشن است که چون این عقیدت در فرد فرد ملتی سترک سمت اشاعت یافته رسوخیت تامه حاصل نماید لامحاله روزی اسباب طیبی برای آنان فراهم خواهد آمد ، یأس و حرمان صورت همه گونه نکبت و ذلت است و ضد آن پشت گرمی و امید واری و قوت قلب از روی اعتقاد که در حکم طیبی است مایه نلاج و نجات می گردد ، چون اعتقادات مذهبی در اقوام مشرق زمین تا دو صد سال دیگر کاملاً اثرات خود را خواهد

بخشید میتوان گفت در این مدت با این همه جمعیت اسباب طیبی و این گونه لوازم ترقی عارضی ، فرقه شیعه ترقیات محیر العقول خواهند نمود ، و من حیث العدد و قوت و قدرت اول فرقه خواهند شد ، و پس از آنکه اثر از اعتقادات مذهب نیز برداشته شود این ملت دارای آن سرمایه خواهند بود که ما و رای قوای طبیعه و عارضیه مذهب شوکت و اقتدار و قوت و سلطنت خود را در عالم نگاهدارند ،

### وضع تعدیات اجانب در ظهور آفاق

( و بروز حییات ملی است )

بتصدیق جمیع عقلاء و دانشمندان و سیاسیون عالم یگانه جاره و علاج ایرانیان از جلوگیری مداخلات اجانب و ارجاع عساکر مسلحه روس از خاک مقدس ایران همانا بروز حییات ملی است ، بواسطه بروز همین حسن شریف است که ایالات کوچک بالکان از قید رقبت حسته حییات استقلال را جستند و خود را در جرگه دول حیه داخل نمودند ، بواسطه بروز همین حسن ملی است که اهالی چین سد عظمی در مقابل مطامع دول اروپا و امریک کشیده خود را از شکار شدن محفوظ ساختند ، بواسطه همین حسن ملی است که اطراف افغانستان که ثلث ایران از حیث مساحت و جمعیت است خود را از تعدیات دو همسایه قوی بنجه روس و انگلیس مصون داشته باج سبیلی هم بعلاوه دریافت می نمایند ، بواسطه همین حسن ملی است که ممالک امریک تماماً یکی بعد دیگری از قبضه اروپائیان خارج گردیدند ، بواسطه همین قوه ملی است که تاج و تخت پادشاهان بیاد فنا رفته ملل چند هر روزه خود را جمهوری می نمایند قوه و قدرت و معجزه و خارق عادت حسن ملی را انکار نتوان نمود ، خود می بینم بهمین زودی بود که بواسطه همین قوه شریفه حییات ملی معامله رژی با آن قوت و استیلای دولت انگلیس باندک مدتی بهم خورد و تا چند درجه باعث رعب و واهمه همه اجانب گردید ، بنابر این ایرانیان اگر حییات استقلال می خواهند ، اگر هیات اسلامی می خواهند ، اگر مذهب جعفری می خواهند ، باید هر چند زودتر دست به صورت انقضای حییات ملی بزنند و باید بدانند که حییات ملی افغانی نیست ، قزقر نیست ، پروتست و اعتراض خشک و خالی نیست ، منشأ عمده حییات ملی

ایرانیان امروزه منحصر به دو چیز است. یکی فوری دیگری تدبیری. اولی بایکات یعنی حرمت استعمال امنه دولت تمدنی - و درمی ترتیب قشون و تهیه عساکر جنگی و مهیای جنگ شدن است. مسلم است که شق اخیر چندین سال و ماه لازم دارد ولی حرمت استعمال امنه روس هیچ مدت نمیخواهد مخارج معتابیه ضرور ندارد. فقط منوط بیک همت مردانه و حریت اسلام پرستانه است. بطور حتم و یقین امروزه متجاوز از پنجاه ملیون تومان امنه روس و سرمایه تجار ایشان در خاک ایران موجود است. البته بمجرد بروز این حس ملی و افسان و جدیت و فعلیت آن دولت روس مجبور باخراج قشون خود خواهد گردید. ولی بدون جدیت و فعلیت واقعی این قضیه بوقوع نخواهد رسید و خوب ولروم حرمت امنه روسی و اثرات آن در حال روسیان و در عوالم سیاست بخوبی میتوان ارسطق سنیر روس در قضیه حرمت تباکو و واقعه رژی در مجلس ضیافت استنباط نمود -

بعد از اینکه حکیم مرحوم میرزای شیرازی اعلی‌المراتبه مقامه دوحرمت استعمال تباکو و توتون شرف صدور یافت جمیع اهالی ایران با اشارات سری لک مرتبه امتثال نمودند. مقارن این حال در طهران اعلانی بدر و دیوار و گذرها و مساجد بدین مضمون نصب گردید که -  
( بر حسب حکم محکم حجة الاسلام میرزای شیرازی روز دوشنبه آینده جهاد واجب است مردم باید مهیا و آماده باشند ) این شایعه شور انگیز دوروعین بزودی در شهر منتشر گردید، عامه مردم بهیجان آمدند و واسطی بخمال جهاد افتادند در صدور کار سازی و تهیه لوازم جنگ فراهم نمودن اسلحه بر آمدند و آذوقه جمع آوری می نمودند. مردمان در مقام وصیت و ودایع با اهل و عیال خودشان بناله و گریه صدا بلند کردند، اروپائیان مقیم طهران از سراسر و غیرهم از این معنی سخت مضطرب و پریشان شده برای حفظ خودشان از دولت در انحصوس امنیت و اطمینان طلبیدند. که ما باطمینان دولت بدین مملکت آمده ایم. اکنون که ملت را حکم بجهاد آمده و مردم در خیال شورش و ستیزگی بادولتند تکلیف ما چیست و از طرف حفظ خودمان چگونه و بجه و وسیله مطمئن باشیم

( مجلس ضیافت و فطق سنیر روس )  
( در فوت اتفاق کلمه ملت اسلام )  
در خلال این احوال سفیر روس مقیم طهران در سنارت خانه خود مجلسی بعنوان ضیافت تشکیل داد و عموم سفراء خارجه بانضمام رئیس کپانی رژی ( آرسن ) نام دعوت نمود همینکه همگی حاضر و هنگام دور باده رسید صاحب منزل یعنی سنیر روس خود ابتدا نموده جایی بدست گرفت و این عبارت بگفت ( بسلامت اتفاق کلمه ملت اسلام ) و لا جرعه بسر کشید. حضار مجلس از استماع این کلمه که بر حسب رسم و عادت مردمان فرنگستان کاتب از کمال اشتیاق و آرزومندی گوینده باین معنی است بقیات در عجب شده بدین است که سلامتی اتفاق کلمه ملت اسلام گذشته از اینکه بکلی منافی عموم دول اروپا است آن روز همان اتفاق کلمه ملت اسلام بوده که هرصه را بر همه منیمین پای تخت بدان اندازه تنگ گردانیده بود

سنیر روس چون آثار تعجب از ایشان مشاهده نمود چنین بگفتار آمد. که مرا از ترتیب این مجلس جز این غرض منظور نظر نبود که جنگی شما را در یک مجلس جمع آورده همین عبارت را بگویم و شرح دهم. اگر رخصت فرمائید تا بی پرده سخن آغاز کنم. حاضرین گفتند ما همه کوشیم تا شما چه فرمائید. گفت آقایان من امروز معادل دوکرور بوند مالیه از اجناس رایج روسیه از قبیل قلیان و سر قلیان چینی و بلور و غیره در خاک ایران موجود و همه موقوف و معطل مانده و عاقبت هم معلوم نیست بر آنها چه خواهد گذشت. سبب این وضع اختلال انگیز بر همه شما معلوم است که ( آرسن ) ( این مرد ) صاحب امتیاز دخانیه عملیرا برخلاف آئین مسلمانان با دولت گذرانیده و چون این گونه اعمال مطابق اصول اسلامی نبوده است رئیس روحانی اسلامیان که چندین مراحل از حدود ایران بیرونست رفع و ابطال این عمل را در این دیده است که مسلمانان را از استعمال دخانیات تمتع دارد. لذا در این مقام برآمده بوسیله دو کلمه مسلمانان را منقلب ساخت و بعضی وصول آن نوشته در ظرف نیم روز در این شهر باین عظمت منتشر گردید و بمجرد اشتهار آن جمیع مسلمانان با آنکه هنوز صحت و صدق



آن بواغلب محقق نشده تنها با احتمال اینکه شاید راست باشد این مادت چند صد سال را چنانچه می بینید يك مرتبه ترك نمودند حالا شما سفراء محترم حكه وكلاء دول بزرگ اروپا مستقیم و بر حسب وظیفه و منصب بزرگ خود صلاح و فساد و منافع و مضار دولت و مملکت خود را در عهده دارید معین فرمائید که منشاء این خسارت و سبب این ضرر و تدارك آنرا بچه وسیله میدانید، این مطالب تا باین حد هنوز جزئی است و این مقدار ضرر را میتوان متحمل شد ولی هرگاه این مرد صاحب امتیاز انگلی دیگر این معامله را دنبال کند و آن مرد بزرگ اسلام نیز برای دفع طرف مقابل بنای تشدید در این امر نماید و حکم کند که شرب جای نیز همین حال دارد هیچ تصور کرده و می کنید حكه چه مقدار ما مالیه و اجناس مموله فرنگستان که لوازم این کار است از قبیل قند و جای و سهاور و غوری و سینی و استکان و نعلبکی و غیره بالکلیه عاقل و باطل و تا چه پایه سکنه عظیم بکلیه تجارت فرنگستان وارد خواهد آمد، اینهم گوئیم آسان است اگر این مرد نافذالحکم بنویسد که تمامی امتعه واجناسی که از فرنگستان حمل و نقل با بران میشود کائناً ما کان حرام و استعناش روا نیست و ما بحتاج مسلمانان مثل سابق از داخل مملکت باید فراهم بیاید، آیا شهاره می توانید بکنید که چندین هزار کارخانه و تجارتخانه از تمامی دول اروپا مسدود خواهد شد؟ این را هم سهل گیریم هرگاه این شخص بزرگ مسوع الکلمه حکم بلی بدهد که بر تمام مسلمانان قتل و اعدام جمیع فرنگیانی که در ممالک اسلامی منتشرند حتم و لازم است آیا میدانید آنگاه چه خواهد شد و جقدر ما نفوس تبعه دول اروپا در این مملکت عرصه دمار و هلاک خواهند شد، آنگاه آنچه نفوس تلف شده را بچه میتوان تلافی نمود و حال آنکه میدانید موافق قانون تمام دول مقدمه روی زمین هر نفس که در بلاوی عمومی تلف شود خویش هبا و هدر خواهد رفت زیرا حكه مواخذه داشتن عمومی را چوشت که تلافی بافسد خواهد بود نقص غرض و منافی مقاصد سیاسیه دول منتمه می باشد

من در این هنگام در معرض اینگونه مخاطرات واقعت بلسكه دول متبوعه شما که حاضرین این مجلسیست حتی دولت انگلیس نیز در این مفاسد و مضار شریک و سهیم خواهد بود، من امروز شما خفتگان را بیدار نمودم تا فردا هیچ يك از شما را در نزد دول متبوعه خود عذری نباشد. تا هنوز وقت باقی است، پیش از آنکه این فتنه چنان عظمت و اشتدادی گیرد که رشته جاره بالمره از چنگ هر کس بیرون شود فکری بکنید، همیشه سخن سفیر روس به پایان رسید همه سفراء متوجه (آرسن) شده گفتند "سخنان این مرد همه درست است این وضع فساد آمیز حالی و آنچه از مناسد دیگر که بدین رشته و ترتیب پیش آید تمامی دول گردد منشاء تو بوده و تحریک این فتنه که امن و امان از مال و جان همگی در این بلد برداشته تو باعث بوده و هستی، البته باید هرچه زودتر در صدد علاج کار برآمده یا رسماً این عمل را فسخ و ابطال نموده بکلی دست از این کار برداری یا اینکه مخصوصاً از روساء اسلام در این خصوص امضا یاوری" (آرسن) در جواب گفت "چگونه دست از این معامله می توانم داشت و حال آنکه این کار تا کنون زیاده از دو میلیون برشود و تعارف و مرسوم و مواجب و تعمیرات و سایر تهیه اسباب و لوازم خسارت کشیده ام ..

سفیر روس در جواب گفت "مسلمانان را ببرد بگویند چون تو از اول میدانستی این معامله برخلاف اصول و قواعد ملت و بدون رضا و امضای روساء ملت و مذهب اسلام است لاجرم مثل این است که دانسته بر ضرر خود اقدام نموده و این مبلغ خسارت را دانسته بکس خود وارد آورده و هر کس دانسته بر ضرر خود اقدام نماید البته غرامت او بر کس دیگر نخواهد بود و این مطلب نیز از اصول مسلمة ملت اسلام بلکه تمامی ملل است، آنها ..

مسلمانان و ایرانیان بخصوص باید از این نطق بی فواید حاصل نمایند و اثر اتفاق در هدم استعمال امتعه روسی و اجتهاد در اداء طلب این دولت ظالمه بخوبی دریابند شاید همین آخر الدواء مرض ایشان باشد

« لایحه يك از مجتهدین عظام نجف اشرف »  
 اگر چه بلكه شرع قاطبه افراد ایرانی خاصه

مسلمانان امروزه مکلف اند بر جهاد دفاعی که بطور حتم جلو تهاجمات اعدای گرفته شود و بتزک دفاع همه معاقب اند، لکن عقلا و رؤسای مملکت مؤاخذ اند بخذلان دنیا و عذاب آخرت، زیرا که زمام امور جمهور بعهده کفایت آنها است و از میان رؤسای جهانی و روحانی و از جمله متنفذین علماء در این رتبه و همه مقدم اند، زیرا که آن مملکت رتبه و مقام شرافت را که روحانین نائل بدان هستند و آدرجه مطابقت را که بجهت خردشان مسلم داشته اند و ملت هم تا یکدرجه سر تسلیم دارد و دیگر در مدت چهار صد سال اخیر سلطنت شبهه بعموم چنین اقصاء شده است، بلکه علماء در کلیه امور عامه مرجعیت دارند حتی در عرفیات و جهات شخصیه و در قضای و آراء و استخاره که کلیه حرکت و سکون آنها را بارادات و مشیات طبقه روحانی مرتبط نموده اند، بخوبی که اگر یکی ظفره زند تکفیرش کرده و حکم بالخداش میکنند، چون علماء خود را مرجع امور ملت معرفی کرده در زمان سلم و صلح استفاده از جوه بریه می نمایند امروزه که روز مخاطر و روز قیامت کبری و بوم فرغ اکبر ملت و نفع صور زوال استقلال مذهب جنوری دور بار انگلیس و روس گوش ساکنین کرده ارض را بر کرده و این صداعی اضحلال ایران که بزرگترین زخمی است بچکر مبارک صادق اسلام علیه التحیه والسلام جز مرهم افاق علاجی ندارد و کلیه این افاق بجهت فوق الذکر بدست علماء است که در روز خوش غنیمت از ملت برده اند، امروز بحکم عقل و باصر سید رسل باید غرامت بکشند من له الغم فعليه الغرم و هر عذری که امروزه از هیئت روحانین پیشنهاد ملت بشود آن عذر بعینه در تمام افراد ایرانی هست بلکه وزراء عذری می موجه تر از روحانین اقامه تواند کرد، رؤساء خوانین و عشایر نیز مانند آن یا فرد کامل آن را ببارات شیرین بیان و دهقانان و فلاخان هم بهمان دسانس متمسک توانند شد و اگر ملت ایران هم مانند سایر ملل علماء را مرجع نام نشناخته بودند هر دو یک میزان مسئولیت داشتند، ولی امروزه مسئولیت کلیه در عهده صنف روحانی است

که اگر عقاید مذهبی و ادعایات مبدیه و عبادی سلسله روحانین ایران را از کرمان تا بکرمانشاه و از بلوچستان تا بخوی و ماکو متحرک سازد که شرمه از آنان روی بمرکز حرکت کند جمیع عشایر متحرک خواهند شد، تا اتفاق روحانین ایران هیچ فرقه جرئت تخلف نخواهد کرد، امر سیاست وقت، نفس این افاق دشمن کنی است که هم روس بیرون خواهد روت و هم انگلیس جرئت دخول نخواهد کرد، امروزه حالت ایران که در صراط تعالی و ترقی اوفتاده محض نواقص مملکت و معایب استبداد تغییر مسلك داده غیر از زمان فتحعلی شاه و دعوی روسیه و مجامده سید مجاهد این امر را با آن قیاس نکنند و حرکات سید را بهانه استراحت خود قرار ندهند، مقصد امروزی غیر از آن است.

باری ببارت ساد و بصدای رسای عالم گیر فریاد میکنیم، ای ملت ایران سبب بقای استقلال مملکت و مذهبی و شرافتی شما غیر از تریاق اتفاق نیست، تا اتفاق نکید سلطنت و استقلال مملکت شما در شرف زوال است، مفتاح اتفاق شما ملت با اتفاق صنف علماء و روحانین است، چنانچه اختلاف بیج سائل آنها سبب اختلاف کله شما ملت شده اتفاق آنان هم علت حصول اتفاق شما خواهد شد، و در تحت اتفاق و ظل معیت تمام نواقص مملکت اصلاح میشود مذاکرات لایبني و غیر مهمه دارالشوری موقوف و منافشات اعضاء کابینه مرتفع و مخالفت مخالفین مازندران و کاشان و اردبیل و طوائف منقطع و کارخانهای دواثر اجراییه بکار خواهد افتاد.

این اتفاق ظنین انداز اقلیم اروپا است، این اتفاق بفسه رقیب تراشی میکند و ایران را در حکم شبه جزیره بالکان کرده نژاد نجیب جرمن را در قبال بغاوتهای نژاد اسلاوی برمی انگیزد، این اتفاق کار روحانین و ملت ایران است که قاطبه مسلمین را تحت لوای محمدی دعوت میکند، این اتفاق روح ممالک آسیا، را بوجود و بالذوی ثابت میدارد، این اتفاق بیرق ژاپون و چین را در طهرائش بلند میکند.

بالعجب ظفره از دماغ و تخلف از غنای و فرار از

خرف در همه کتب دینی از کبائر بلکه در حق  
جعی موجب کفر دانسته اند در صورتیکه آن  
تهاجم اسلام بکنز بود امروز که تهاجم کفر  
است بر اسلام و بمراتب نیز جهاد دفاعی اهم از  
جهاد تهاجمی است زیرا که در تهاجم کفر زوال  
بیضه اسلام و انهدام بیرق شریعت خیرالانام علیه الصلوات  
من الملک العلام است ولی در جهاد تهاجم زوال بیضه  
نبوده آن بخلاف را در حق دیگران کنزدانسته اند  
ولی این تخلف اهم را در حق خود و پیروانشان  
چه توجه میکنند و در سقوط این تکلیف بجه  
دلیل عقلی و شرعی مستند خواهند شد و اگر ملت  
بدیخت بطور استقامت شوال میکند چه جوابی از  
حجج روحانی ملت داده خواهد شد، آیا تبلیغ  
بلباس عام مسقط تکلیف و جوب جهاد دفاعی است، یا  
حالم بودن معلوم شرعی که ذمه دامان از برکت علم  
قهرآ بری میشود، چه شده است و جوب از زنها  
ساقط نیست، لکن از روحانیان ساقط شده.

مزویان معززان و ملکوتی ملکات و معدسین بعلم  
وجدانی و عقل بردان بداند نه امر، ره تهاجم کفر  
بر اسلام است نه دعوی مشروطه و مستبد، اگرچه  
نزاع مشروطه و مستبد باعث تولید این فتنه اسلام  
کشی گشت ولی آن سبب امروز از میان رفت، این  
مسبب و نتیجه فعلاً موجود است و این نتیجه علت  
نامه توجه تکلیف جهاد دفاعی است، سبب آن  
هرچه میبخواهد باشد شا باید سقوط این تکلیف  
را از خودتان و ملت به براهی شرعی و عقلیه  
بجهت اسکات ملت بیان کنید، کن فرمائید همین که  
مطلق دو روزنامه درج شد محل استقامت روحانیان  
نخواهد بود، نگارنده با علماء حاجت داشته مادات  
و اخبار فریقین و معقد اجماع را بزبان فارسی ترجمه  
نموده محض فوائد عمومی در جریده مندرج داشتم  
و اگر توجهی بقانون عقل و قواعد شرع دارید  
زحمت کشیده صرفوقم فرمائید تا نگارنده هم در  
شرح و تفصیل آن آیات و اخبار را عیناً نقل کنم  
تا رفع شبهه از همه ملت بشود و تکلیف شرعی  
هموم از کتاب و سنت معلوم و معین گردد که  
امروزه تکلیف هموم تقاعد و خانه نشینی است یا  
اقدام بجهاد دفاعی، و تارك این دفاع و معتمدین بوظیفه  
شرعیه رفتار کرده اند یا مخالفت حکم شرع و عقل  
نموده باز صبر میکنند کبائر محسوب اند

يك مطلب هم نكته نماید و آن اینست كه علماء  
و روحانیان ایرانیان اگر اتفاق کنند اتفاق آنها  
سبب اتفاق ملت ایران خواهد شد زیاده بر تشکیل  
اتفاق علماء مکلف نخواهند بود و مقدمات آن  
حرکت علماء و اجتماع آنها است در طم ان عملیات  
مقدمه جهاد دفاعی علماء همین است، اما پس از حصول  
اتفاق ملت عقلای سیاسی دان و عارفین بمقتضای  
وقت کزیت اخراج قشون دشمن و منع از دخول  
دشمن دیگر را بهتر میدانند، غرض از اتحاد علماء  
این است نه آنکه علماء در میدان محاربه داخل شوند  
و مشاغل سوار و سرباز و توپچی اختیار کنند یا  
سنگر بندی نمایند، اشلاف و اتفاق مات بائتلاف و  
اتفاق علماء است چنانچه اختلافشان مستند باحتلاف  
آنها است اگر دین است همین است

### مدرسه اخوت کاظمین

( و مکتب حسینی کربلا )

جناب استیاد حاج محمد حسن آقا تاجر کاشانی برای  
عبادت فرزند ارچندشان آقا میرزا احمد تاجر کاشانی  
از پونه هتته قبل بکلکته آمده بریروز تشریف بردند  
چون تازه از عنبات عالیات آمده بودند مخصوصاً از  
اوضاع آن نواح مقدسه از ایشان پرسش شد، شرحی در  
خصوص انجمن و مدرسه اخوت و مکتب حسینی و  
انجمن مساوات و مکتب جدید الاحداث بحجف اشرف  
بیان و تمجید زید از مؤسسين انجمنها و ارکان و  
معلمین مدارس و حسن ترقی امثال و نیکی اصول  
تعلیمات آیات اطهار داشته ما را بسی خوشنود  
و خرم ساختند و ضمناً از عدم توجه کامله خیرین  
باین کار حاجات آدم سازی تاسف فرموده شرحی  
در خصوص ایام کربلا بیان نمودند که دل هر  
مسلمان بلکه هر انسان نوع خواء را بدردی آورد،  
بیان کردند در اطراف سخن حسینی چه  
قدرها ایام و احوال فقراء بی بضاعت در آن  
هوای سرد شبانه سر بروی سنگ نهاده مانند جوجه  
صغیر تا صبح بر خود می لرزند و یکی دو طفل یتیم را  
دیدم که از سرما مانند جانوران زمین را گود نموده  
و اطراف خویش خاک ریخته تا سورت سرما کمتر بر  
او اثر نماید، و نقل قول از دیگری نمودند که در موسم  
زمستان برخی از امفال ایام از شدت سرما بروی  
همان سنگهای دور سخن مطهر سیاه شده جان بجان  
آفرین تسلیم می نمایند و واقفاً دیدن این واقعات

اسف ناک بر هیچ مسلمان گوارا نیست و این اطفال یتیم که مانند گل پژمرده اند و قابل هرگونه تعلیم و ترقی و تربیت میباشند عدهشان به سیصد نفر نمیرسد مکتب حسینی کربلا با وجود عدم قدرت سی نفر از این اطفال یتیم را مشغول تعلیم و پرستاری است ، ولی هرگاه خیرین اندک توجیهی فرمایند و مکتب حسینی را مانع از تعلیم و تربیت سیصد نفر اطفال ایام وسعت دهند علاوه بر آن فیض عظیم يك لکه عاری را از روی صاحب نروتان ملت شیعہ خواهند زدود که الحق بدین حال آن اطفال علاوه بر اینکه جگر انسان را پاش پاش میکند يك نرمندکی و سرافکنندگی برای عامه ناطرین و کسانی که زیارت می آیند تولید می نماید

( جبل المبین )

چون ما خود سالها در عقبات طالبات بوده ایم فرمایشات جناب حاجی محمد حسن آقا را خالی از شباهت اغراق دانسته تصدیق می نمایم و خیرین را بجلب این نواب عظیم دعوت میکنیم

﴿ پروتست جناب مستطاب آقای تقی زاده ﴾  
( به نگارشات جبل المبین )

نظر ما عبادیکه ما صاف پسندی جناب عالی دارد وجدان بیلوت و دوق سلیم را گواہ گرفته يك حمله از نگارشات جبل المبین که در ذیل عکس این خادم وطن نگاشته شده و مرا بقیادت و ریاست انقلابیون معرفی نموده اند پروتست می نماید ، و چون یتیم دارم بهرائض خاصه ام و نوق و اعتماد دارید همین قدر عرض میباید که نه تنها بنده رئیس و قائد فرقه ( موهومی ) انقلاب نیست بلکه وجود خارجی این اسم بلا مسمی و بیشتر از وجود دیو و پری نمیدانم - هرگاه جناب عالی دائره تحقیقات را اندک وسعت دهند در تصدیق این عرایض و تردید برخی مقالات جبل المبین که درین موضوع نگارش یافته درین نخواهند نمود

صحیح س - ح - تقی زاده

﴿ جبل المبین ﴾

گویا لازم به بیان نباشد که این نامه ملی از آرایش هرگونه اعراض عاری است و ما که نسبت بقیادت و ریاست انقلاب را به آقای تقی زاده داده بودیم بنا بر غلط مشهور بود که فرقه احرار با اسم انقلاب شهرت یابد بودند ، ولی قصد ما از حرفه

انقلابیون ( بنا بر مشهور ) همانا حزب احرار بود که تا دیر بازم با اسم احرار تسمیه می نمودیم و از لفظ انقلاب فقط مفهوم مان حریت بود - حالا که استیجانی از لفظ انقلاب میشود ما هم ازین سهو لفظی اظهار ندامت میکنیم و گمان مینمایم که نیت ما بخیر بوده و عقیدت مان در حق آقای تقی زاده که ایشان قاعد و رئیس فرقه احرار در خطا نرفته است

﴿ اخبارات خارجه ﴾

﴿ بموجب اخبارات عدن قبيله (هم او تروا) که دارای (۳۰۰۰) نفوس بود به لای سوطالی پیوسته و خوف شمولیت سایر قبائل نیز باها می رود ، و قبائلیکه دم از اطاعت میزنند خیلی مخوف اند ، چه ملا ما سه قبائل حرکت بطرف شمال نموده است ﴿ بموجب خبر ( میدرید ) در شورای ملی مسئله انطام انجمنهای مذهبی از کثرت آراء گذشت ،

﴿ وزیر مستعمرات فرانس اضافه چهار صد نفر قشون را از مجلس ملی خواستگار شده و اظهار داشته است که این اضافه برای پیشقدمی نیست بلکه غرض اصلی حفظ مقام بنار مقتضیات کنون است ﴿ در شورای ( آستریا - هنگری ) وزیر بحریه از دیاد جہازات جنگی را بدین اصول خواستگار خواهد شد که در سال ۱۹۱۳ دو جہاز فریدانات و در سال ۱۹۱۴ سه کروزر و دوازده موشک و چهار کشتی دیگر که جمله چهارده ملیوش لیرا مصارف او تخمین شده و در سال ۱۹۱۵ آماده خواهند گردید

﴿ بموجب اخبار شام قشون عثمانی مسکه بطاقت ( دروسس ) حمله آور شده بود ۴۵۰ نفر از آنها را مقتول و ۶۰۰ نفر را اسیر بقیه شام منتشر گردید . از قشون دولتی ۸۴ مقتول که منجمه آنها ۷ نفر اسیر بوده اند ،

﴿ بموجب نگارش اخبار طمس دولت انگلیس اعلام نموده است که از سال جاری وظیفه وکلاهی دارالشوری سالانه پانصد لیرا خواهد بود ،

﴿ تلگرافات روتر راجع ایران ﴾

( ۲۹ ذالجه - ۲ جنوری )

﴿ بموجب تفرقاتیکه در کارخانجات اسلحه سازی ( برمنگهم ) شده معلوم گردیده است که از دیرباز اسلحه از کارخانجات انگلیس حمل بخلیج فارس نمی شود ، یکی از بزرگان که باین تجارت مشغول بوده

حبل المتین

واقفان و موزمیدانند که امروزه وزارت خارجه ایران را خیلی مشکلات در پیش و مقامی بسیار نازک است. چه نبودن اسباب داخلی و موجودکی موانع خارجی هر آن و هر ساعت مقام این وزارت را متزلزل میدارد. بهر حال امروزه وزارت خارجه ایران باید توك مرعوبیت نموده قانوناً در حفظ حقوق استقلالیه بکوشد. امروزه اگر اندکی وزارت خارجه ما مرعوبیت اختیار نموده و بخواهد باسول قدیمه پای بند شود و با خویشتن را بیک دولت خارجی بندد زود تر مقام خود را متزلزل خواهد ساخت. اتخاذ بیک مسلك سیاسی صحیح خارجی برای ایران اشد لزوم را دارد. وزارت خارجه ما میتواند که با بیک هنرم صمیمانه و رای مستقیم کسب نام تاریخی نماید. ورنه خدای ناخواسته نتیجه مکوس خواهد بخشید

( ۴ محرم - ۶ جنوری )

ایوبک طمس لندن جواب نوطه آلمان را از طرف روس که در سال ۱۹۰۷ پیش شده بود چنین اشاعت داده است

اول - دولت روس متعهد است مخالفت در اختتام راه آهن بغداد نماید و عراقان خارجه را در شرکت باین راه عائق نگردد

دوم - دولت روس مستند است راه آهنی که در منطقه نفوذ خود در ایران مد نظر دارد در ( سیدحی و حلقین ) ملحق به راه آهن بغداد نماید و دولتین قبول می کنند که نرخ کرایه را بکسان قرار دهند

سوم - دولت آلمان تعهد میکند که هیچ راه آهنی در منطقه روس در شالی ایران نسازد و دیگری را هم در چنین راه تأیید نماید

چهارم - دولت آلمان اقرار می نماید که در ایران دارای حقوق بلندیکی نیست فقط امت برتری تجارت خود خواهد داشت. دولت آلمان نه خود خواهد کرد و نه دیگری را تأیید خواهد نمود که بدون رضایت دولت روس امتیازی در سرحد یا طرف شمال راه آهن که از قصر شیرین باصفهان و یزد و متصل میشود بمرحد افغان و خاتمه می پذیرد دو ( کشک ) حاصل نماید. دولت روس هم تسلیم مینماید حقوق تجارتی آلمان را در کلبه ایران به نسای و سفارت ایران در لندن تردیدی می کند

اطهار داشته است که از یک سال باینطرف از کارخانجات انگلستان اسلحه بخلیج فارس رسا نرفته است. چه در مسقط مفتش مخصوصی گذارده شده که نگرانی بر جہازات انگلیسی نماید ولی جہازات دیگران از نگرانی خارج اند. و این امر سبب گردیده است که این تجارت از انگلستان منتقل بفرانسه شد. این ایام زیاده حمل اسلحه از ( انتواب و همبرک ) بخلیج فارس می شود

§ بطریق نیم رسمی اخبارات برلن اشاعت میدهند که مناقشات دیرین روس و آلمان از دانش دیپلماتهای دولتین بنقطه ارتفاع رسیده است و این امر نتیجه حلاقات امپراطورین در ( پورتسم ) میباشد

( ۲ محرم - ۴ جنوری )

§ وزیر خارجه جدید ایران از مجلس خواست نموده است که پس از امضای قرصه از بانک شاهنشاهی کیسیون مقرر دارند که مبلغ سه کروور تومان از آجوه در سگرای آلمان برای برقرار گذاشتن امنیت باشد و بیز اطهار داشته است که جمهوری (سوید) منظور نموده است برای اعطای ژاندرسی افسر بدولت ایران قرض دهد - ۲۸۰۰ قشون تا کنون برای فارس روانه شده است

§ روزنامه نیویورکیا در مسئله جواب نوطه آلمان که دولت روس خواهد داد بیت سدی نموده مینویسد - که بعوض منافع دولت در ایران و عثمانی که وزیر خارجه آلمان اطهار داشته باید در تمام آسیا باشد. اخبارات آلمان مینویسند که دولت روس میخواهد خیالات وزیر خارجه آلمان را درخصوص فرانس و انگلیس کزور نماید

بعد از توجه در مباحثات جراند فرانس و انگلیس درخصوص مسائل تصفیه شده در پورتسم تصدیق مینمایند قول وزیر خارجه آلمان را در رجستانک، زیرا آنچه در آن موقع بیان شده بین طرفین با تمام نکات تصفیه یافته بود. بجای اینکه مجدداً این مسئله در کابینه موضوع بحث شود بهتر آنست بهمان دوایکه متعاقب آمد تصفیه اش واگذار گردد. بطریق نیم رسمی در پرتسبرگ نگارش اخبارات را تردید نموده و تصدیق شده است تقریر وزیر خارجه آلمان را در رجستانک

( ۲ محرم - ۴ جنوری )

( تلگرام مخصوص )

محتم السلطنه وزیر عدلیه بوزارت خارجه منصوب گردید

و ابوتی که اشاعت یافته بود منبسط استغالی وزیر خارجه سابق که برای عدم اطمینان از دولت انگلیس در جنوب داشته است

Dr. ناصرالملک نائب‌السلطنه از ویانه تلگرافاً خبر داده است که بسبب علالت نتوانسته تاکنون مایران برود و همین دوسه روزه عازم طهران خواهدگردید

### ایرانیان بخوانند

اوضاع کنونی ایران و مقتضیات سیاسی دول بزرگ دنیا مینمایند که اگر ایرانیان در ابراز حیثیات ملی نهایت نموده یک جنبش وطن پرستانه اسلام خواهانه کنند استقلال ایران تا ابد محفوظ تواند ماند و هر گاه خدای ناخواسته رخاوت و رعونت اختیار نموده بطاغلی بخواهند خودرا در عداد ملل حیه بشمار آورند رهی بهبود یافته اند، توقع از ملل متمدنه اروپا بپیمودنی و همراهی داشتن راهی است تا صواب بلکه اسباب اضمحلال را درین اطمینان زودتر فراموش نماید. و بامید رقابت روس و آلمان یا انگلیس و عثمان نشستن بدست خود قلاده اسارت دیگران را بگردن انداختن است، استقلال درختی است که شادایش جز بخون ملت نساید، آزادی نمره ایست که جز بشمشیر جیده نیاید، مکرر نوشته ایم که معنی تمدن از خود گذشتگی ملت یا ازدیاد قوای دولت است نه علم و نزاکت شناسی.

ایرانیان بدانند که بجه و ناله و خشوع و خشوع باین و آن جز مذلت و خواری و اضمحلال و استقلال نتیجه ندهد، نزاکت شناسی و اعتدال پسندی در یک ملت ضعیف جز حل بر مرعوبیت نمی شود، آنچه ایران را از جنگال همسایگان حریص طماع محبت تواند بخشید همانا ایستادگی و پای فشاری در احقاق حقوق است ایرانیان بدانند که حق تحت شمشیر است و حقوق آنانم جز بمضاطت شمشیر نتواند شد، ایرانیان باید چشم از دیگران بر بسته اطمینان بخود کرده حافظ استقلال خودرا خویشتر دانند، بیعلمی جمیع طبقات ایران واحزاب سیاسی آنها را بقدری از نقطه حقیقی مقصود بدور انداخته که ابدآ متوجه قوای طبیعی و سیاسی خویش نیستند.

ایرانیان بدانند که در مقابل قوای طبیعی آنان هیچ دولت بلکه چند دولت مقدر هم استقامت

نتوانند نمود مشروط بر اینکه ترك مرعوبیت نموده اطمینان بقوای طبیعی و ملی خود نمایند و چشم امید از دیگران بر بندند، موانع خارجی و داخلی متجاوزین بمقوق خودشانرا سنجیده تا ملتت شوند که همسایگانشان فقط از ترسهای تو خالی و مرعوبیت های موردی ما فائده بر می گیرند

ایرانیان باید سیاست و تجارت خودشانرا بین المللی قرار داده در جنوب و شمال بدادش امتیازات بدول سائر بکشند و همین قسم در گرفتن قرض از خارجه غیر از همسایگان اقدامت جدی نمایند و هرگاه رقابت بین المللی را خواهند لازم است بملل سائر امتیاز و منافع دهند و از ترس های همسایگان نه هراسند، شرماً و عقلاً، سیاستاً و دیانتاً اگر درین طریق صد هزار نفوس ایرانی کشته شود بحال ایرانیان نافتراست از اینکه همسایگان تاج استقلال بر تارک شان نهند، اتحاد سیاسی با دولت عثمانی و افغان و روابط اتحادی با کلیه مللایان عالم نافتزین امور بحال ایران است.

ایرانیان بدانند تا وقتیکه دارای یک قوه قاهره نشوند حافظ و نگهدارانی برای استقلال خویش نخواهند داشت و قوه قاهره هم حاصل نشود مگر به ترتیب نظام ملی و بزیر صلاح آمدن کلیه طبقات باصول فنی. و این هم ممکن نشود مگر اینکه ترك کلیه مصارف مایشی را نموده حصه عمده دخل دولت را صرف ادارات نظامی نمایند و بقوه دیانت و جامعه اسلامیات اتحادی بین ایلات و عشایر قائم داشته آنان را بدفاع از دشمنان وطن مهیا سازند، امروزه حیثیات ملی و دیانتی و وطن پرستی در ایلات و عشایر ایران باندازه ایست که با اندک توجه عقلای ملت ممکن است تشکیل قوای جسیبی برای دولت داده شود مشروط بر اینکه هر اقدامی که می شود مبنی بر خیر ملت و استقلال وطن باشد و اغراض شخصی و هم چشمی های جاهلانه را کنار گذارند باز هم تکرار میکنیم که دوائی درد در خود ملت و آنهم ترك مرعوبیت و ابراز حیثیات ملی و از خود گذشتگی در راه وطن است، خشوع و خشوع فقیرانه و نزاکت شناسی مرعوبانه جز بر فشار همسایگان نیفزاید، و هر حزب سیاسی که جز این تصور کند نفهمیده و راهی بصواب نرفته قطعاً از مقتضیات سیاست دنیا بی اطلاع و از تاریخ ترقی اضمحلال و استقلال ملل بی خبر است

( جبل المتین کلکتہ )

( مدیکل کالج انگریز نمبر ۴ )

HABUL MATIN OFFICE  
4, MEDICAL COLLEGE STREET  
CALCUTTA

( کلیہ امور ادارہ با )

( مدیر کل مؤیدالاسلام است )

( ہر دو شنبہ طبع )

( ہر دو شنبہ توزیع میشود )

( ہر دو شنبہ )

( ۲۱ محرم الحرام ۱۳۲۹ ہجری )

( مصادف با )

( ۲۳ جنوری ۱۹۱۱ میلادی )

و لا حق اخذ ابرہہ بدون قبض ندارند و تاویق کہ

( مشترکین را قسم مخصوص سال ہر ہجرتہم دست نیابد )

( ذمہ شان رہی شناختہ کہ میشود )

▶▶▶ ماہ مقدسہ ▶▶▶

( قیمت اشتراک )

( سالانہ — شش ماہہ )

( ہند و برہمہ )

( ۱۲ روپیہ — ۷ روپیہ )

( ایران و افغانستان )

( ۴۰ قران — ۲۰ قران )

( عثمانی و مصر )

( ۵ مجیدی — ۳ مجیدی )

( اروپا و چین )

( ۳۰ فرنک — ۱۶ فرانک )

( روس و ترکستان )

( ۱۰ ات — ۶ منات )

# المتین

▶▶▶ سنہ ۱۳۱۱ ▶▶▶

▶▶▶ مراسلات خصوصی بدون امضای ▶▶▶

( معروف ادارہ درج نمیشود )

▶▶▶ در این جریدہ از ہر گونہ اخبار و وقایع سیاسی و منافع دولتی و فواید ملی بحث میشود ▶▶▶  
( مقالات عام المنفعہ مقبول و در انتشار ادارہ آزادست )

## ▶▶▶ امتنان ایرانیان ▶▶▶

( از اصناف ہندی دولت انگلیس )

نظر بخندہ و بدقولی کہ ایرانیان از دولت روس خاصہ در این اواخر دیدہ و می بینند یادداشت بلا ضرورت دولت انگلیس را ہم حمل بدان نموده از یکطرف اسباب تشویش خاطرشان شدہ از طرف دیگر موثر یأس و ناامیدیشان از ہمدردی و انصاف ہندی دولت انگلیس ( کہ از بدو مشروطیت خیلی امیدوار بدان بودند ) گردیدہ بود، اینک کہ بیاماد یادداشت خانہ پذیرفت و دولت انگلیس بدون بہانہ جوئی از اقدامات عملی دولت ایران اقعاع گردید و رسماً امنیت جنوب را تصدیق نموده بہیچگونہ تثبیت بہانہ جویانہ مبادرت نمود ایرانیان ہمچہ تصور میکنند کہ قصد دولت انگلیس در حق آنان مانند روس مشوب نیست، این است کہ با کمال امیدواری بدوستی قدیمی دولت انگلیس امتنانات صمیمی خود شارا را رجال با سیاست دولت مشارالہا تقدیم وقای دوستی و ہمدردی قدیمی دولتین را خواہانند، و امید میکنند کہ ازین و بعد رجال با حزم انگلستان قافیہ را نباختہ مراعات نزاکت و دوستی را داشتہ در پیش آمد برخی واقعات ناگوار کہ در ہر مملکت ممکن الوقوع است اصلاحت را محقانہ بطریق دوستی بخواہند و با اینگونہ یادداشت ما جلب نفرت ایرانیانرا نماند کہ منافہ

دوات انگلیس در آسیا با برات و عثمانی ہارہ مہبوط بودہ و خواہد بود و حفظ این منافع مشترکہ جز در سایہ اتحاد دول ثلاثہ صورت نہ تواند بست

## ▶▶▶ انقلاب سیاسی یا تزعزع اتحاد ثلاثہ ▶▶▶

( روس و انگلیس و فرانس )

آشنایان سیاست میدانند کہ در این دورہ رقابت انفرادی دول مرتفع و بشکل گروپ جلوہ گر گردیدہ است، آغاز این ائتلاف رقابتی بعد از جنگ آلمان و فرانس شد کہ فرانسه بحالت اجبار دست اتحاد بروس داد، از آن بعد بسبارک در مقابل آخ اتحاد ننائی بہ تشکیل اتحاد مثلث آلمان و استریا و ایتالی نائل آمد و این دو گروپ میداندار سیاست و پہلوانان پلٹیک اروپا بشمار بودند، انگلیسان چون در میدان سیاست اروپا بواسطہ یکتائی استشام تأخر نموده و ازدیاد قوای مہری آلمان را مشاہدہ کردند خویشین را ناچار بشرکت با اتحاد فرانسه باقیہ و از جندی باین طرف دست ائتلاف بیکدیگر دادہ مراکو و مصر را مال المصلحہ مناقشات سیاسی خود قرار دادہ متحدانہ قدم در پیشرفت مقاصد خویش نہادند۔ ولی تزام آلمان در مسئلہ مراکو و بی طرفی روس در آن موقع بقوت اتحاد فرانس و انگلیس را ثابت

نمود - ازینرو انگلیسان در تقویت این اتحاد کوشیده  
ایران را مال المصلحه مناقشات دیرینه با روس قرار  
داده تشکیل يك اتحاد ثلاثی در مقابل اتقاق مثلث  
آلمان دادند - و در حقیقت عمده قوای اروپا را در  
دو دایره اتقاق و ائتلاف در آورده تا اندازه میزان  
اعتدال سیاسی را قائم ساختند. ولی در این اواخر  
که از يك طرف فرانس و از طرف دیگر روس  
دست اتحاد بدوست قدیم انگلیس ژاپون دراز نموده  
آلمان هم بحاجت عنای خویشتر را مجبور یافت و از  
طرف دیگر رومانی با عنای متحد شد و کفایت  
میزان سیاست اتحاد مثلث را سنگین ساخت. باین هم  
اعتقاد عمده بدوآ به تهدیدات سیاسی در مشرق  
بالکان روس را ترساند و سپس در پورتسدم آغوش  
محبت کشوده روس را از اتقاق ثلاثه انگلیس و  
فرانس تا درجه روگردان ساخت و این نکته بود  
که از دیرباز دانایان رموز منظر بوده و همین  
ملاحظات بود که بسبب سیاسی سر ادورد گری در  
فدیة ایران برای اتحاد با روس قائل گردیدند

طاهر است که اگر خلی در اتحاد ثلاثه روس  
و انگلیس و فرانس وارد آید میدان داری سیاست  
عالم منحصر بآلمان خواهد گردید چه فرانسه و واز  
حیث قوت در عداد دول اول نمره است ولی از  
حیث سیاست و قوت در شمار دول نمره دوم است  
و دولت انگلیس بواسطه داشتن لشکر کافی نمیتواند  
به تنهایی سیاست خود را در اعراف عالم اروپا نگاهدارد  
و اتقاق سیاسیون ازین بعد هر دولت که در غرب  
تفوق سیاسی حاصل کند در شرق هم متدرجاً علو  
کلمه سیاست او مسلم خواهد گردید. و این در صورتی  
است که دولت روس در دایره اتحاد مثلث آلمان  
شامل شده فقط از اتقاق ثلاث انگلیس انحراف  
جوید و اگر روس شامل در اتقاق مثلث آلمان  
گردد و بواسطه آلمان منافشانش با آستریا رافع شود  
و مصروف از حمله عنای گردد انگلیسان را در  
شروع دوچار خطرات عظیمه خواهند ساخت مگر اینکه  
انگلیس با ایران و عنای و شاه مسلمانان از در  
اتحاد و ائتلاف در آید. در آن صورت هیچ زبانی  
برای ایران و عنای هم متصور نیست - اگرچه  
نمی توان گفت که اتقاق روس با آلمان تا چه اندازه  
است ولی از تلگرافات ذیل بخوبی استنباط میتوان

نمود که آن اتحادیکه بین روس و انگلیس بود با استحکام  
اولیه خود برقرار نمانده است و فرانس و انگلیس از  
قرارنامه روس با آلمان منتهی درجه تشویش را دارند  
و چیزیکه متفق الیه سیاسیون است دو نکته میباشد  
اول شامل شدن آلمان در مسائل راجعه بوسط  
آسیا ~~که~~ روس و انگلیس بر حسب معاهده از  
مختصات خود قرار داده بودند

دوم کافی السابق بین المی شدن سیاست ایران است که  
روس و انگلیس با امتناع از آن داشته و اینهمه  
فتنارهاییکه از بیج سال باین طرف ایران وارد آمده  
تمام مبنی بر همین نکته بوده است و هرگاه دو مراسلات  
چهارده گانه ایکه ما در شمارهای قبل اشاعه داده ام  
غور شود این نکته بخوبی آشکارا نوآند گردید. ولی  
اکنون نیز از شست و شوی شده و سر رشته از دست  
دولتین بیرون رفته است

### تلگرافات وارده در این موضوع

( بقرار ذیل است )

بطریق نیم رسمی اخبار ( الحیمن زیتنگ )  
مینویسد بهترین اموریکه در سال ( ۱۹۱۰ ) پیش  
آمده همانا بحث در مناقشات دیرین روس و آلمان است  
که از دانش دیپلماتهای دولتین بنقطه ارتقاع رسیده  
و این امر نتیجه ملاقات امپراطورین در پورتسدم میباشد  
روزنامه نیویورکیا در مسئله جواب نوطه آلمان  
~~که~~ دولت روس خواهد داد پیش بندی نموده  
مینویسد ، « بموض منافع دولتین در ایران و عنای  
که وزیر خارجه آلمان اظهار داشته باید در تمام  
آسیا باشد ، اخبارات آلمان مینویسند که دولت  
روس میخواهد خیالات وزیر خارجه آلمان را در  
خصوص فرانس و انگلیس کزور نماید

بعد از توجه در مبسحاتت جرائد فرانس و  
انگلیس در خصوص مسائل تصفیه شده در پورتسدم  
تصدیق مینمایند قول وزیر خارجه آلمان را در  
رجستانک ، زیرا آنچه در آن موقع بیان شده بین  
دولتین با تمام نکات تصفیه یافته بود ، بجای اینکه  
مجدداً این مسئله در کابینه موضوع بحث شود بهتر  
آنست بهائ دولتیکه متعلق بر آنتد تصفیه اش  
واگذار گردد ، بطریق نیم رسمی در پترزبرگ  
نگارش اخبارات را تردید نموده و تصدیق شده  
است تقریر وزیر خارجه آلمان در رجستانک . \*



ایونک طمس لندن جواب نوطه آلمان را از طرف روس سکه در سال ۱۹۰۷ پیش شده بود چنین اشاعت داده است

اول - دولت روس متعهد است مخالفت در اطمینان راه آهن بغداد نماید و صرافان خارجه را در شرکت باین راه مانع نکند

دوم - دولت روس مستعد است راه آهنی که در منطقه نفوذ خود در ایران مدنظر دارد در ( سیدجی و خاقین ) ملحق به راه آهن بغداد باید و دولتین قبول می کنند که نرخ سکه را یکسان قرار دهند

سوم - دولت آلمان تمهید میکند که هیچ راه آهنی در منطقه روس در شمالی ایران ناسازد و دیگری را هم در چنین امری و هیچگونه دخالتی تأیید نماید

چهارم - دولت آلمان اقرار می نماید که در ایران دارایی حقوق بلتیک بیست فقط همت بر ترقی تجارت خود خواهد کاشت ، دولت آلمان نه خود خواهد رد و نه دیگری را تأیید خواهد نمود که بدون رضایت دولت روس امتیازی در سرحد یا طرف شمال راه آهن که از قصر شیرین به صفهان و یزد و متصل میشود بسرحد افغان و خاتمه می پذیرد در ( کشک ) حاصل نماید، دولت روس هم تسلیم مینماید حقوق تجارتی آلمان را در کلیه ایران به تساوی

روزنامه ( تاگس زیتساک ) از روی تحقیق خبر یافته است اینکه روزنامهجات مینویسند که معاهده روس و آلمان مبنی بر حفظ منافع دولتین در تمام آسیایست مقرون بصحت نمی باشد، بطریق نیررسی تکذیب شده است در پترسبرگ عنوانی را سکه بپوروییا در خصوص جواب نوطه آلمان که در سال ۱۹۰۷ روس داده شد، بود نگاشته است و ظاهر داشته آنچه را روزنامه مزبور اشاعه داده منافی است باخیالات حکومت روس

از این گونه اشاعات دوستی که بین دولتین آلمان و روس و وزرای و سررای آلمان قائم است مرفوع نمیگردد باوجودیکه در اسکتز مقامات بوسائل مختلفه نگارشات ایونک طمس در خصوص دولتین روس و آلمان تردید شده ولی آنچه به تحقیق پیوسته است اشاعات اخیلو موصوف قرین صحت است و کاتب

نمی رود که برای این مسائل جزئی نه فرانس و نه انگلیس اعتراض نمایند چنانچه پس از اشاعه مواد عهدنامه دولتین روس و آلمان از طرف امپراطور روس و پادشاه انگلستان تلگراف صمیمانه به رئیس جمهوری فرانس فرستاده شده است

( ۸ جنوری - ۶ محرم )

روزنامه دیل تلگراف لندن می نویسد چنان معلوم می شود که دولت آلمان مصمم گردیده است که قبل از ختم راه آهن بغداد موافقی که از روس و انگلیس در جلو آن منصور بود مرتفع دارد ازین عهدنامه بخوبی مستعد می شود که بین انگلیس و آلمان هم مفاد عهدنامه چگونه خواهد بود ، همان قسمیکه اولویت روس در شمالی ایران تسلیم شده اولویت انگلیس هم در جنوبی ایران تسلیم خواهد شده اخبار موصوف بطریق وثوق خبر یافته که دولت آلمان حاضر است که مقاصد دولت انگلیس را تسلیم نماید و تمویق در این امر ممکن است مورت زبان و خذل درکار شود، خاتمه راه آهن بغداد باید در ندری که تحت حفاظت انگلیس باشد بشود و اولویت انگلیس هم در خلیج فارس از طرف آلمان تسلیم گردد

استندرد مینویسد که اگر دولت آلمان فقط اولویت دولت انگلیس را در جنوبی ایران هم تسلیم نماید برای ما کافی است

وقایع نگار طمس از پاریس مینویسد که پس از معاودت مسیو ( سازانوف ) وزیر خارجه روس دولتین فرانس و انگلیس را در خصوص معاهده روس و آلمان و راه آهن بغداد و شمالی ایران آگهی خواهد داد ، این امر بخوبی ظاهر میدارد که اتحاد دولتین آلمان و روس و رفع کدورت آنان منافی با موازنه سیاسی اروپا و اتحاد ثلاثه روس و انگلیس و فرانس نمی باشد و مواد معاهده ای که در پورتسمم شده نیز بدولتین فرانس و انگلیس تقدیم شده است ، مواد معاهده دولتین روس و آلمان ولو اینکه در توجه آن قدری غلطی شده ولی مفادش همان است که در ایونک طمس اشاعت یافته و علاوه بر الحاق راه آهن ( خاقین و سادجی ) نقشه های راه های چند هم در شمالی ایران شامل در مواد آن عهدنامه میباشد

تمام مواد این عهدنامه منوط به قبول یا رد آلمان